

موضوع

بررسی آسیب های اجتماعی

«عوامل به وجود آمدن آسیب های اجتماعی و راه های پیشگیری از آن»

محقق

بهزاد شهبازیان

بهمن/۹۷

www.markazdanesh.ir



۱.....	چکیده.....
۲.....	مقدمه.....
۳.....	۱. فصل اول مفاهیم و کلیات.....
۳.....	۱,۱. تعریف آسیب های اجتماعی.....
۳.....	۲,۱. اهمیت آسیب های اجتماعی.....
۳.....	۳,۱. موضوعات مورد بحث در حوزه آسیب های اجتماعی.....
۴.....	۴,۱. گونه شناسی آسیب های اجتماعی.....
۴.....	۵,۱. هدف ها و مقاصد آسیب شناسی اجتماعی.....
۴.....	۶,۱. ملاک های تشخیص رفتارهای نابهنجار.....
۶.....	۲. فصل دوم انواع آسیب های اجتماعی.....
۶.....	۱,۲. انواع آسیب های اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم.....
۹.....	۲,۲. خودکشی.....
۱۲.....	۳,۲. اعتیاد.....
۱۲.....	۴,۲. سرقت.....
۱۲.....	۵,۲. جرم.....
۱۲.....	۶,۲. انحراف جنسی.....
۱۳.....	۷,۲. سیاهی های ازدواج سفید.....
۱۹.....	۸,۲. بدحجابی.....
۲۰.....	۹,۲. فحشاء.....
۲۱.....	۱۰,۲. مهاجرت.....
۲۱.....	۱۱,۲. فقر.....
۲۱.....	بیکاری.....
۲۲.....	۱۲,۲. بی خانمانی.....
۲۲.....	۱۳,۲. کودک آزاری.....
۲۳.....	۱۴,۲. تکدی گری.....
۲۳.....	۱۵,۲. طلاق.....
۲۴.....	۱۶,۲. ازدواج دیر.....
۲۵.....	۱۷,۲. خشونت علیه زنان.....
۲۵.....	۱۸,۲. آسیب های نوپدید (شبکه های مجازی).....

۳۰	۳. فصل سوم عوامل پیدایش آسیب‌های اجتماعی
۳۲	۱,۳. الف. عوامل شخصیتی
۳۲	۱,۳. ۱. ویژگی‌های شخصیتی افراد بزهکار و کج‌رو
۳۳	۲,۳. ب. عوامل فردی
۳۴	۳,۳. ج. عوامل اجتماعی
۳۴	۱,۳. ۱. عدم پای بندی خانواده‌ها به آموزه‌های دینی
۳۴	۲,۳. ۲. آشفتگی کانون خانواده
۳۵	۳,۳. ۳. طرد اجتماعی
۳۶	۴,۳. ۴. نوع شغل
۳۶	۵,۳. ۵. بی‌کاری و عدم اشتغال
۳۷	۶,۳. ۶. فقر و مشکلات معیشتی
۳۸	۷,۳. ۷. دوستان ناباب
۳۹	۸,۳. ۸. محیط
۴۰	۹,۳. ۹. فقر فرهنگی و تربیت نادرست
۴۰	۱۰,۳. ۱۰. رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی
۴۱	۴. فصل چهارم راهکارهای بهبود آسیب‌های اجتماعی
۴۱	۱,۴. ۱. بیانات رهبر انقلاب درباره آسیب‌های اجتماعی
۴۳	۲,۴. ۲. اقدامات پیشگیرانه
۴۷	۳,۴. ۳. راهکارهای پیشگیری از رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی در مدرسه
۴۷	۴,۴. ۴. راهکارهای پیشگیری از خودکشی در نوجوانان و جوانان
۴۸	۵,۴. ۵. راهکارهای پیشگیری از آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی
۵۰	۶,۴. ۶. رعایت قانون؛ عامل مؤثر در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی
۵۴	۷,۴. ۷. اقدامات صورت گرفته ایران در راستای کاهش آسیب‌های اجتماعی
۵۴	۸,۴. ۸. سایر اقدامات در خصوص کاهش آسیب‌های اجتماعی
۵۵	نتیجه‌گیری
۵۶	منابع

## چکیده

آسیب های اجتماعی یعنی مطالعه و بررسی کردن علت و عواملی که باعث ناهنجاری ها و بی نظمی ها در جامعه شده اند مثل سرقت خودکشی اعتیاد و ...

در این مقاله در وهله اول به شناخت آسیب های اجتماعی پرداخته شده است و بعد از آن به بررسی انواع آسیب های اجتماعی که در جامعه وجود دارد و باعث ناهنجاری شده اند نگاهی دوباره داشته است در فصل بعدی این مقاله به عواملی که باعث ایجاد و پیدایش آسیب های اجتماعی شده اند پرداخته شده است و در آخر هم راهکارهای برای پیشگیری از به وجود آمدن آسیب های اجتماعی بیان شده است.

## مقدمه

مساله مربوط به آسیب های اجتماعی از دیر باز در جامعه بشری مورد توجه اندیشمندان بوده است همزمان با گسترش انقلاب صنعتی و گسترش دامنه نیازمندی ها محرومیت های ناشی از عدم امکان برآورده شدن خواسته ها و نیازهای زندگی موجب گسترش شدید و دامنه دار فساد، عصیان، تبهکاری، سرگردانی، دزدی و انحراف جنسی و دیگر آسیبها شده است.

هرچند اکثر مشکلات اجتماعی انواع تکراری در طول نسلها مختلف هستند اما چنانکه مشاهده می شود برخی از این انواع در برخی نسلها اهمیت بیشتری پیدا کرده است و حتی برخی انواع این آسیب ها در نسل های بعدی زاده شده اند ازسوی دیگر از آنجایی که یکسری علل غالب در هر جامعه وجود دارند که نسبت به سایر علل اهمیت بیشتری در بروز آسیب ها دارند هر چند از انواع متمایز آسیب ها سخن می رود اما عمدتا همپوشیهایی بین آنها دیده می شود.

آمار و شواهد موجود در جامعه نشانه روند رو به رشد آسیب های اجتماعی در جامعه بوده و در این رابطه دیگر توقف و بی تفاوتی ها دستگاهها و نهادهای فرهنگی اجتماعی مورد قبول نیست انکار آسیب همه های اجتماعی در جامعه بیشترین آسیب را به پیکره جامعه وارد خواهد کرد که این موجب می شود ما از واقعیت های که می توان آن را مشکلات زیر ساختی در بحث آسیب ها عنوان کرد دور بمانیم با وجود جایگاه تمدنی و فرهنگی کشورمان و با توجه به وجود ظرفیت های فرهنگی، مذهبی نباید از روند برخی آسیب های اجتماعی در جامعه چشم پوشی کرد چنانکه چشم پوشی فرهنگی، مذهبی برای مقابله با این آسیب و دیگر آسیب های اجتماعی برنامه ریزی نمود باید توجه داشت که محیط یکی از مهمترین عوامل تاثیر گذار در پیدایش و پیشگیری از بروز آسیب های اجتماعی است اگر در منزل، خانه، کوچه، خیابان، مدرسه و محیط پیرامون زمینه و شرایط مساعدی برای بزهکاری وجود داشته باشد فردی را که آمادگی انحراف در او وجود دارد به سوی جرم و رفتار بزهکارانه سوق می دهد و از سوی دیگر یک محیط مناسب می تواند مانع بروز بسیاری از آسیب های اجتماعی گردد به همین دلیل یکی از نقاط مهم تمرکز برای مداخلات پیشگیری از آسیب های اجتماعی اصلاح محیط می باشد<sup>۱</sup>.

## ۱. فصل اول مفاهیم و کلیات

### ۱.۱. تعریف آسیب های اجتماعی

مطالعه انحرافات و کج روی های اجتماعی و به اصطلاح، آسیب شناسی اجتماعی (Social Pathology) عبارت است از مطالعه و شناخت ریشه بی نظمی های اجتماعی. در واقع، آسیب شناسی اجتماعی مطالعه و ریشه یابی بی نظمی ها، ناهنجاری ها و آسیب هایی نظیر بیکاری، اعتیاد، فقر، خودکشی، طلاق و... همراه با علل و شیوه های پیش گیری و درمان آن ها و نیز مطالعه شرایط بیمارگونه و نابسامانی اجتماعی است.<sup>۱</sup> به عبارت دیگر، مطالعه خاستگاه اختلال ها، بی نظمی ها و نابسامانی های اجتماعی، آسیب شناسی اجتماعی است؛ زیرا اگر در جامعه ای هنجارها مراعات نشود، کج روی پدید می آید و رفتارها آسیب می بیند. یعنی، آسیب زمانی پدید می آید که از هنجارهای مقبول اجتماعی تخلفی صورت پذیرد. عدم پای بندی به هنجارهای اجتماعی موجب پیدایش آسیب اجتماعی است.

از سوی دیگر، اگر رفتاری با انتظارات مشترک اعضای جامعه و یا یک گروه یا سازمان اجتماعی سازگار نباشد و بیشتر افراد آن را ناپسند و یا نادرست قلمداد کنند، کج روی اجتماعی تلقی می شود. سازمان یا هر جامعه ای از اعضای خود انتظار دارد که از ارزش ها و هنجارهای خود تبعیت کنند. اما طبیعی است که همواره افرادی در جامعه یافت می شوند که از پاره ای از این هنجارها و ارزش ها تبعیت نمی کنند. افرادی که همساز و هماهنگ با ارزش ها و هنجارهای جامعه و یا سازمانی باشند، «هم نوا» و یا «سازگار» و اشخاصی که برخلاف هنجارهای اجتماعی رفتار کنند و بدان ها پای بند نباشند، افرادی «ناهم نوا» و «ناسازگار» می باشند. در واقع، کسانی که رفتار انحرافی و نابهنجاری آنان دائمی باشد و زودگذر و گذرا نباشد، کج رو یا منحرف نامیده می شوند. این گونه رفتارها را انحراف اجتماعی یا کج روی اجتماعی گویند.<sup>۲</sup>

### ۲.۱. اهمیت آسیب های اجتماعی

آسیب های اجتماعی به عنوان اعمالی که هنجارهای جامعه را مورد تعرض قرار می دهد در هر جامعه ای حائز اهمیت جدی هستند، رشد و تنوع آسیب ها در شهرهای بزرگ خصوصاً کلان شهرها واسطه شرایط خاص: افزایش روزافزون جمعیت، مهاجرت های بی رویه، گسترش حاشیه نشینی، فقدان مهارت های زندگی در کلان شهر، گسست نظام های سنتی و پیوندهای عاطفی و خانوادگی، آسیب پذیری شهروندان به دلیل مشکلات اجتماعی و اقتصادی و ... هشداردهنده است و لازم است در جهت مهار، و کاهش آن اقدام اساسی صورت گیرد.

### ۳.۱. موضوعات مورد بحث در حوزه آسیب های اجتماعی

آنچه روشن است اینکه بحث آسیب شناسی اجتماعی عمدتاً با مسائل و مشکلات سروکار دارد. پژوهش ها و تحقیقات متعدد برای شناخت انواع آسیب ها و علل بروز آنها صورت می دهد و نظریاتی را برای حل آن مسائل پیشنهاد می کند. براین

۱. هدایت الله ستوده، آسیب شناسی اجتماعی، تهران: نشر آوای نور، ۱۳۷۹، صص ۱۴ و ۱۵.  
۲. همان.

اساس زمینه‌هایی چون فرهنگ و هنجارهای یک جامعه، ویژگی‌های اقتصادی و سیاسی و جغرافیایی یک جامعه نیز در حوزه مطالعات آسیب‌شناسی اجتماعی قرار می‌گیرد. چراکه بررسی آسیب‌های اجتماعی بدون در نظر گرفتن شرایط زمینه‌ای یک جامعه میسر نخواهد بود.

چه چیزی به عنوان آسیب شناخته می‌شود؟ حدود و ثغور آن چقدر است؟ عوامل زمینه‌ساز و علل آشکارکننده آن کدام یک هستند؟ در کدام طبقات گسترش بیشتری دارند؟ در کدام سنین گسترش بیشتری دارند؟ توانایی جامعه برای کنترل و نظارت بر آنها چقدر است؟ از چه راه‌هایی می‌توان به کاهش آنها مبادرت کرد؟ همه این‌ها سوالاتی هستند که در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

#### ۴.۱. گونه شناسی آسیب‌های اجتماعی

در گونه شناسی آسیب‌های اجتماعی از ملاک‌های متفاوتی می‌توان استفاده نمود. این ملاک‌ها، در هر جامعه‌ای حداقل چهار خرده نظام فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خاص دارند که در هر یک از این حوزه‌ها کنشگران فردی و جمعی می‌توانند با رعایت اصول و قواعد عمل جمعی مورد قبول در آن حوزه‌ها به چهار نوع سرمایه یا منبع ارزشمند سرمایه فرهنگی یا دانش، سرمایه اجتماعی یا تعهد منزلت، سرمایه سیاسی یا قدرت و سرمایه اقتصادی یا ثروت مورد نیاز هر جامعه دست یابند. هر نوع فعالیتی که خارج از چارچوب اصول و قواعد عام عمل جمعی برای رسیدن به منابع ارزشمند صورت گیرد، کج‌روی محسوب می‌شود. (عبداللهی ۱۳۸۳).

#### ۵.۱. هدف‌ها و مقاصد آسیب‌شناسی اجتماعی

۱. مطالعه و شناخت آسیب‌های اجتماعی و علل و انگیزه‌های پیدایی آنها و نیز بررسی شخصیت کثر رفتاران و ویژگی‌های جسمانی، روانی، فرهنگی و اجتماعی آنان شناخت درست دردها و آسیب‌ها، نخستین شرط چاره‌جویی و بیش از نیمی از درمان است.
۲. پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به منظور بهسازی محیط زندگی و جمعی خانوادگی از آنجا که پیشگیری همواره ساده‌تر عملی‌تر و کم‌هزینه‌تر از درمان است دارای اهمیت بسیاری هست.
۳. درمان آسیب دیدگان اجتماعی با به‌کارگیری روش‌های علمی و استفاده از شیوه‌های مناسب برای قطع ریشه‌ها و انگیزه‌های آنان.

#### ۶.۱. ملاک‌های تشخیص رفتارهای نابهنجار

حال سؤال این است که چگونه تشخیص دهیم رفتاری از حالت عادی و به اصطلاح نرمال خارج شده و به حالتی غیر نرمال و نابهنجار تبدیل شده است؟ ملاک‌ها و معیارهایی وجود دارد. با این معیارها و ملاک‌ها می‌توان تشخیص داد که رفتاری در یک سازمان، نهاد و یا جامعه‌ای عادی و مقبول و نرمال است، یا غیرعادی، غیر نرمال و نابهنجار. عمدتاً چهار معیار برای این امر وجود دارد:

۱. ملاک آماری: از جمله ملاک‌های تشخیص رفتار نابهنجار، روش توزیع فراوانی خصوصیات متوسط است که انحراف از آن، غیرعادی بودن را نشان می‌دهد. کسانی که بیرون از حد وسط قرار دارند، افراد نابهنجار تلقی می‌شوند و رفتار آنان



رفتاری غیر نرمال و انحرافی تلقی می شود. برای مثال، از نظر آماری وقتی گفته می شود که لباسی مُد شده، یعنی بیشتر افراد جامعه آن را می پوشند. بنابراین، صفتی که بیشتر افراد جامعه نپذیرند، خارج از هنجار تلقی شده و غیرطبیعی و نابهنجار تلقی می شود.

۲. ملاک اجتماعی: انسان موجودی اجتماعی است که باید در قالب الگوهای فرهنگی و اجتماعی زندگی کند. اینکه تا چه حد رفتار فرد با هنجارها، سنت ها و انتظارات جامعه و یا نهاد و سازمان خاصی مغایرت دارد و جامعه چگونه درباره آن قضاوت می کند، معیار دیگری برای تشخیص رفتار نابهنجار و بهنجار است. یعنی رفتاری که موردقبول افراد نباشد و مثلاً با پوشیدن لباس خاصی از سوی افراد جامعه با عکس العمل آنان مواجه شویم، این گونه رفتارها نابهنجار تلقی می شود. البته، این معیار هم در همه جوامع امری نسبی است.

۳. ملاک فردی: ازجمله ملاک های تشخیص رفتار نابهنجار، میزان و شدت ناراحتی است که فرد احساس می کند. یعنی اگر این رفتار خاص، با ارزش ها و هنجارهای اجتماعی سازمان خاصی مثلاً فرهنگیان و یا کل افراد جامعه ناسازگار باشد، یعنی به سازگاری فرد لطمه بزند و با عکس العمل افراد آن جامعه یا آن نهاد مواجه گردد، چنین رفتاری نابهنجار تلقی می شود.

۴. ملاک دینی: علاوه بر این، در یک جامعه دینی و اسلامی، معیار و ملاک دیگری برای تشخیص رفتارهای بهنجار از نابهنجار وجود دارد؛ چراکه معیارهای مزبور، معیارهایی است که توسط افراد یک جامعه با قطع نظر از نوع اعتقادات، موردپذیرش واقع می شود؛ یعنی افراد جامعه در خصوص ارزش یا هنجاری بودن موضوع خاص توافق نموده، در عمل به آن پای بندند و متخلفان را بسته به نوع و اهمیت هنجار، تنبیه می کنند. اما در یک جامعه دینی و اسلامی معیارهای فوق برای ارزش های اجتماعی است و در آنجا کارایی دارد. معیار تشخیص ارزش ها و هنجارهای دینی به وسیله آموزه های دینی تعیین می شود. ممکن است رفتاری خاص در همان اجتماع هنجار تلقی نشود و مرتکبان را کسی توبیخ و یا سرزنش نکند ولی در شرایطی خاص ارتکاب چنین عملی در یک جامعه دینی هنجارشکنی تلقی شود. برای مثال، خوردن و آشامیدن در روزهای عادی و حتی در یک جامعه دینی هنجارشکنی تلقی نمی شود. ولی اگر همین عمل در جامعه مذکور و در ماه مبارک رمضان و درمأعام صورت گیرد، تخطی از هنجارهای دینی تلقی شده، مجازات سختی هم از نظر دینی و شرعی و هم از نظر اجتماعی در انتظار مرتکب چنین عمل ناپسندی می باشد.

بنابراین، معیار دیگر تشخیص رفتارهای نابهنجار و بهنجار در جامعه دینی، تطبیق و سازگاری و یا عدم تطبیق و ناسازگاری با آموزه ها و هنجارهای دینی است. اگر عمل و رفتاری با هنجارها و آموزه های دینی سازگار باشد، عملی بهنجار و اگر ناسازگار باشد، عملی نابهنجار تلقی می شود.<sup>۱</sup>

## ۲. فصل دوم انواع آسیب های اجتماعی

### ۱,۲. انواع آسیب های اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم

#### تعدی

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ

مگر آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده و خدا را بسیار یاد کردند و پس از آنکه [با شرهای باطل دشمنان ، هجوئیات مشرکان و یاهوهای کافران] مورد ستم قرار گرفتند [با مطالب توحیدی و معارف حکیمانه خود] به انتقام گرفتن [از دشمن و دفاع از خویش] برخاستند ، و کسانی که ستم کرده اند ، به زودی خواهند دانست که به چه بازگشت گاهی باز خواهند گشت؟<sup>۱</sup>

#### سرقت

وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

و دست مرد و زن دزد را به کیفر کار زشتی که مرتکب شده اند به عنوان مجازاتی از سوی خدا قطع کنید ؛ و خدا توانای شکست ناپذیر است.<sup>۲</sup>

#### شراب و قمار

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنتَهُونَ

مسلماً شیطان می خواهد با شراب و قمار ، میان شما دشمنی و کینه [سخت] اندازد ، و از یاد خدا و نماز بازتان دارد ؛ آیا شما از این امور با همه زیان ها و خطراتی که دارد [خودداری خواهید کرد؟].<sup>۳</sup>

#### ربا

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

کسانی که ربا می خورند [در میان مردم برای امور زندگی خود [به پای نمی خیزند ، مگر مانند به پای خاستن کسی که شیطان او را با تماس خود آشفته حال کرده [و تعادل روانی و عقلی اش را مختل ساخته [این بدان سبب است که آنان گفتند : خرید و فروش هم مانند رباست . درحالی که خدا خرید و فروش را حلال ، و ربا را حرام کرده است . پس هر که از سوی پروردگارش پندی به او رسد و [از کار زشت خود [بازایستد ، سودهایی که [پیش از تحریم آن [به دست آورده ، مال خود

۱. سوره شعراء، آیه ۲۲۷.

۲. سوره مائده، آیه ۳۸.

۳. سوره مائده، آیه ۹۱.

اوست ، و کارش [از جهت آثار گناه و کیفر آخرتی ]با خداست . و کسانی که [به عمل زشت خود ]بازگردند [و نهی خدا را احترام نکنند] اهل آتش اند ، و در آن جاودانه اند.<sup>۱</sup>

### غرور

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ

ای مردم ! بی تردید وعده خدا [درباره قیامت ]حق است ، پس این زندگی دنیا [ی زودگذر ، [شما را نفریبند و شیطان فریبنده ، شما را [به کرم [خدا مغرور نکند<sup>۲</sup>

### ظن

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ

ای اهل ایمان ! از بسیاری از گمان ها [در حق مردم ]پرهیزید ؛ زیرا برخی از گمان ها گناه است ، و [در اموری که مردم پنهان ماندنش را خواهندند] تفحص و پی جویی نکنید ، و از یکدیگر غیبت ننمایید ، آیا احدی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد ؟ بی تردید [از این کار] نفرت دارید ، از خدا پروا کنید که خدا بسیار توبه پذیر و مهربان است.<sup>۳</sup>

### لواط

قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ

بگو : پروردگارم به میانه روی [در همه امور و به اجتناب از افراط و تفریط] فرمان داده و [امر فرموده : [در هر مسجدی [به هنگام عبادت] روی [دل] خود را [آن گونه] متوجه خدا کنید [که از هر چیزی غیر او مُنقطع شود]، و او را در حالی که ایمان و عبادت را برای وی از هر گونه شرکی خالص می کنید بخوانید ؛ همان گونه که شما را آفرید ، [پس از مرگ به او ] باز می گردید.<sup>۴</sup>

### انتحار

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا

ای اهل ایمان ! اموال یکدیگر را در میان خود به صورت حرام و نامشروع مخورید ، مگر آنکه تجارتی برپایه رضایت میان خودتان انجام گرفته باشد . و خودکشی نکنید ؛ زیرا خدا همواره به شما مهربان است.<sup>۵</sup>

۱. سوره بقره، آیه ۲۷۵.

۲. سوره فاطر، آیه ۵.

۳. سوره حجرات، آیه ۱۲.

۴. سوره اعراف، آیه ۲۹.

۵. سوره نساء، آیه ۲۹.

## عیاشی

الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ

امروز همه رزق های پاکیزه [خدا] برای شما حلال شد ، و طعام اهل کتاب [که مخلوط با مواد حرام و نجس نیست ]بر شما حلال و طعام شما هم بر آنان حلال است . و زنان پاکدامن مؤمن ، و زنان پاکدامن از اهل کتاب [از طریق ازدواج شرعی ]در صورتی که مهریه آنان را پردازید بر شما حلال است ، چنانچه مایل باشید پاکدامن و مصون از زنا بمانید و در خلوت دنبال انتخاب کردن معشوقه نامشروع نباشید. و هر کس در ایمان [به خدا و پیامبران و قیامت] کفر ورزد ، قطعاً عملش تباه شده و فقط او در آخرت از زیانکاران است<sup>۱</sup>.

## القاب زشت ،عیب جویی و هرزه زبانی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ.

ای اهل ایمان ! نباید گروهی گروه دیگر را مسخره کنند ، شاید مسخره شده ها از مسخره کنندگان بهتر باشند ، ونباید زنانی زنان دیگر را [مسخره کنند ]شاید مسخره شده ها از مسخره کنندگان بهتر باشند ، و از یکدیگر عیب جویی نکنید و یکدیگر را با لقب های ناپسند صدا نزنید ؛ بد نشانه و علامتی است اینکه انسانی را پس از ایمان آوردنش به لقب زشت علامت گذاری کنند . و کسانی که [از این امور ناهنجار و زشت ]توبه نکنند ستمکارند<sup>۲</sup>.

## خودپسندی

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا

و خدا را پرستید ، و چیزی را شریک او قرار ندهید ، و به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه نزدیک و همسایه دور و همنشینان و همراهان و در راه ماندگان و بردگان نیکی کنید ؛ یقیناً خدا کسی را که متکبر و خودستاست ، دوست ندارد.<sup>۳</sup>

## خیانت

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا

۱. سوره مائده، آیه ۵.

۲. سوره حجرات، آیه ۱۱.

۳. سوره نساء، آیه ۳۶.

یقیناً این کتاب را به درستی و راستی بر تو نازل کردیم ؛ تا میان مردم به آنچه خدا به تو آموخته داوری کنی ، و حمایت گر خائنان مباش<sup>۱</sup>.

### ریا

وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا

و آنان که اموالشان را برپایه ریا و خودنمایی به مردم انفاق می کنند ، و به خدا و روز قیامت ایمان ندارند [شیطان همدم آنان است .] و هر کس شیطان همدم او باشد بی تردید بد همدمی است<sup>۲</sup>.

### تطابق نداشتن عمل با کلام

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ

ای مؤمنان ! چرا چیزی را می گوئید که خود عمل نمی کنید؟<sup>۳</sup>.

### فتنه

«وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ» و «وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ»

و فتنه [که شرک ، بت پرستی ، بیرون کردن مردم از کاشانه و وطنشان باشد] از قتل و کشتار بدتر است.

فتنه [یعنی شرک و بت پرستی گناهش] از کشتار بزرگ تر است<sup>۴</sup>.

## ۲,۲. خودکشی

خودکشی هرچند در وهله اول یک مشکل فردی به شمار می رود ولی از آنجایی که فرد در اجتماع زندگی می کند و تأثیرات متقابلی همواره بین آنها برقرار است، به عنوان یک معضل اجتماعی موردبررسی قرار می گیرد.

آمار خودکشی معمولاً با سایر جرائم و آسیب ها ارتباط پیدا می کند، به طوری که در میان گروه های مبتلا به اعتیاد خودکشی بیشتر دیده می شود.

همچنین در آسیب های مربوط به انحرافات جسمانی به ویژه در میان قربانیان این انحراف خودکشی پدیده شایعی است. در میان بیماران روانی به ویژه افسردگی های شدید نیز اغلب خودکشی مسئله قابل توجهی است.

۱. سوره نساء، آیه ۵۰.

۲. سوره نساء، آیه ۳۸.

۳. سوره صف، آیه ۲.

۴. سوره بقره، آیه ۱۷۲ و ۱۹۱.

خودکشی پیوندهایی با متغیرهای اجتماعی دارد به طوری که علاوه بر تأثیری که از شرایط اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ارائه راهکارهای مناسب در بررسی مشکلات گروه‌های در معرض خطر مثل معتادین و خانواده‌های آنها، بیماران روانی و خانواده‌های آنها، خانواده‌های نابسامان و آموزش‌های فردی در مواجهه با تغییرات اساسی روش‌هایی سودمند خواهد بود.

در این راستا توجه به گروه‌های سنی که در معرض خطر بیشتری هستند و خودکشی در میان آنها رواج بیشتری نسبت به سایر گروه‌های سنی دارد، مثل نوجوانان و جوانان اهمیت زیادی دارد<sup>۱</sup>.

هنگامی که انسان و رفتارهای او به عنوان موضوع مورد مطالعه انتخاب می‌شوند، بنا به ضرورت دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلفی مطرح می‌شوند که به صورت علمی، اگرچه دیدگاه‌های موجود درباره رفتار انسان ظاهراً مجزا از هم می‌نمایند، لیکن برای کسب شناخت صحیح و جامع از رفتار استفاده از دستاوردها و نتایج هر یک از شاخه‌های علوم و تلفیق آنها ضروری به نظر می‌رسد، به ویژه اثرات متقابل مشاهده‌شده در تحقیقات مربوط به آسیب‌شناسی روانی، دیدگاه‌های جدید چندبعدی را عرصه نظریه‌های روان‌شناسی مطرح کرده است. یکی از موضوعات که نیازمند استفاده از دیدگاه‌های مختلف می‌باشد، موضوع رفتار خودکشی است. پاسخ به این سؤال که چرا یک انسان با وجود انگیزه قوی در حفظ حیات و سلامت خود اقداماتی را جهت نابود کردن خود انجام می‌دهد و گاهی چند بار آن را تکرار می‌کند تا به مرگ منتهی شود، بدون شک نیازمند اتخاذ نگرشی چندبعدی به موضوع است. انسان از چه زمانی دریافت که علاوه بر دانش توانایی در نابودسازی هموعان، می‌تواند در شرایطی خاص، خودش را نیز نابود کند؟ پاسخ به این سؤال چندان روشن نیست ولی از زمانی که این کشف حاصل شد، مشکلات وسایل جدیدی برای انسان به وجود آمد. بدین ترتیب که مفهوم خودکشی در بعضی از فرهنگ‌ها و جوامع به شکل‌های مختلف مورد تدریس قرار گرفت و بعضی از افراد مثلاً زنان شوهر مرده در هند باستان مجبور به انجام آن شدند. گاهی برای افراد از عواقب شکست در جنگ، یا بیان اعتراض به یک رویداد این عمل صورت می‌پذیرفت.

با این‌که آمار مرگ‌ومیر ناشی از خودکشی در جمعیت همیشه رقم ناچیزی را در مقایسه با سایر آسیب‌های اجتماعی تشکیل می‌دهد، لیکن از آنجایی که قابل‌پیشگیری است و حالت اجتناب‌پذیری مطلق ندارد و نیز پیامدهای عاطفی، روانی، اجتماعی و فرهنگی که برای بازماندگان و جامعه دارد، همیشه موردتوجه متخصصین و پژوهشگران علوم پزشکی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بوده است. سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا مفهوم خودکشی ارتباط خاصی با سن و مراحل رشد انسان دارد؟ پژوهشگران اشاره می‌کنند که با وجود افکار خودکشی و مرگ‌ومیر در سنین مختلف اقدام به خودکشی تا ۱۲ سالگی تقریباً نادرست ولیکن از حدود ۱۲ سالگی به بعد هم‌زمان با تحولات مربوط به بلوغ و رشد توانایی‌های ذهنی و شناختی، رشد قابل‌توجهی در آمار اقدام به خودکشی دیده می‌شود و در اغلب جوامع یکی از عوامل خطر برای خودکشی، داشتن سن ۱۵ تا ۲۴ سالگی است. در طی سه دهه اخیر در تعدادی از کشورها میزان وقوع خودکشی در نوجوانان رشد چشمگیری داشته است. به‌طور طبیعی در فرآیند رشد و تحول نوجوانان وقوع استرس‌ها و فشارهای مختلف روانی، افکار و تصورات زودگذری در مورد آسیب زدن به خود و مرگ مشاهده می‌شود و به‌طور معمول مشاهده و بروز این

افکار ناشی از آسیب روان شناختی نیست. به طور کلی اغلب پژوهشگران و صاحب نظران دو دسته از عوامل را در ارتباط با عوامل و شرایطی که سبب شکل گیری و افکار خودکشی و اقدام به خودکشی می شود، ذکر می کنند:

**۱. عوامل زمینه ساز:** عبارتند از وجود بی ثباتی و مشکلات طولانی در خانواده، ابتلا نوجوانان به اختلالات روانی، مشکلات و ناتوانی های شناختی و مهارت های مقابله.

**۲ عوامل آشکار ساز:** رفتار خودکشی با عناوین زیر مشخص می شوند: مشکلات و بحران های تربیتی و انطباقی، وجود تعارض در روابط بین فردی، درگیری با والدین یا همسالان، طرد شدن، مشکلات تحصیل، داغ دیدگی و از دست دادن، درگیری های عاطفی و جدا شدن از عزیزان یا افراد مورد علاقه، داستان های عاطفی و خودکشی دوستان و نزدیکان. لوپتیمی یک جامعه شناس معتقد است در کنار این دو دسته از عوامل، عواملی دیگر مانند سن، جنس، وجود افسردگی، مصرف مواد مخدر، عزت نفس پایین و ناامیدی، تنهایی و احساس گناه نیز در شکل گیری افکار خودکشی نقش دارند. علت خودکشی را می توان عوامل بیولوژیکی، خانوادگی، اجتماعی و تسریع کننده مشکل دانست.

### • دیدگاه های مختلف راجع به خودکشی

**۱. دیدگاه های جامعه شناختی:** اولین توجه علمی به موضوع خودکشی در قرن ۱۹ از طریق امیل دورکیم جامعه شناس فرانسوی در سال ۱۸۹۸ مطرح شد. دورکیم عوامل اجتماعی را در ارتکاب به خودکشی مورد تأکید قرار می دهد.

او معتقد است وقتی جوامع دست خوش تحول سریع می شوند و افراد وابستگی را از دست می دهند و احساس خود بیگانگی کنند، دچار افسردگی شده و احتمال بیشتری دارد که دختران اقدام به خودکشی کنند.

### ۲. دیدگاه روان شناختی:

طبق مدل روان تحلیل گری، خودکشی نتیجه پویایی های درون مثل نیاز به هویت جویی، محبوب از دست رفته، خشم درونی شده یا اهداف بین فردی مثل اثرگذاری بر دیگران برای رسیدن به محبت یا تنبیه، وجود تعارض انجام می گیرد. به نظر فروید خودکشی نوعی قتل محسوب می شود. بدین معنی که فردی مهم از دست می رود نوعی احساس دوسوگرانه که وی درباره فرد از دست رفته داشته و این احساس درون فکنی نیز شده است، پرخاشگری متوجه درون می شود و اگر این احساس ها به اندازه کافی قوی باشد خودکشی رخ می دهد.

### • نظر ادیان مختلف در مورد خودکشی

داشتن اعتقادات مذهبی باعث بازداری فرد از خودکشی می شود. به نحو عام مذهب بر خودکشی یک اثر پیشگیرانه دارد. این که مذهب انسان را در مقابل خودکشی حفظ می کند، به این دلیل است که مذهب یک اجتماع است و در حدی که نقش یک اجتماع را دارد، دارای چنین کارکردی نیز می تواند باشد.

در دین مسیحیت زندگی مقدس است و مرگ، حقیقت گریز به سوی زندگی جدیدی است که ماهیت آن را اعمال گذشته خود تشکیل می دهند، خودکشی گناه تلقی می شود و نتیجه آن برای شخص گرفتار آمدن به عذاب ابدی است.

در شریعت اسلام و منطق قرآن، خودکشی به عنوان ارتکاب فعل حرام، ممنوع و به تبع آن دارای عقوبت اخروی خواهد بود. همین امر باعث شده که آمار خودکشی در بین مسلمان کمتر بوده و قابل مقایسه با آمار خودکشی سایر ملل نباشد.<sup>۱</sup> (محمد ابراهیم همتی).

### ۳.۲. اعتیاد

اعتیاد به معنی تمایل به مصرف مستمر یا متناوب یک ماده برای کسب لذت یا رفع احساس ناراحتی اطلاق می شود که قطع آن ناراحتی های روانی یا اختلالات جسمانی ایجاد می کند.

در گرایش به اعتیاد عوامل مختلفی شناسایی و مطرح شده اند. این عوامل هر چه باشند، سرچشمه بسیاری مشکلات فردی، خانوادگی و اجتماعی هستند. اعتیاد به سبب ویژگی های ذاتی خود، اغلب با سایر آسیب ها همراه می شود و موجب هدر رفتن نیروهای ثمربخش جامعه می شود.<sup>۲</sup>

### ۴.۲. سرقت

به طور کلی سرقت و دزدی هم از لحاظ عرفی و هم از لحاظ قانونی به عنوان یک آسیب جدی محسوب می شوند. هرچند عوامل متعددی در بروز این مشکل شناخته شده اند، مثل فقر و بیکاری، اعتیاد و شیوه های تربیتی، اما باید توجه داشت مبانی شخصیت اهمیت ویژه در ارتکاب دزدی دارند.

این افراد معمولاً از لحاظ رشد اخلاقی در سطح خیلی پایین و ضعیف هستند و به طور کلی ثبات و استواری و قدرت تحلیل و تفکر درباره پیامدهای رفتار خود را به قدر کافی ندارند.

در مباحث مربوط به علل دزدی، به علل تربیتی تأکید فراوان می شود. الگوهای رفتاری خود والدین، واکنش های آنها درباره دزدی های کوچک دوران کودکی، مسئله پول توجیهی و کمک به شناخت مسئله مالکیت در دوره کودکی در ارتباط نزدیک با رفتارهای دزدی بزرگ سالی و نوجوانی دارند.<sup>۳</sup>

### ۵.۲. جرم

افزایش مرگ ها و معلولیت ها، هزینه های اقتصادی قضایی و انتظامی جامعه، ناامنی جامعه و افزایش بیماری های روانی

### ۶.۲. انحراف جنسی

غریزه جنسی هم می تواند منشأ بروز عالی ترین نمودارهای ذوقی و هنری باشد و هم منشأ تشکیل بنیاد یک خانواده و هم منشأ بسیاری از جرائم.



عوامل مختلف محیطی و خانوادگی و اجتماعی سرمنشأ بروز انواع انحرافات جنسی هستند. هرچند برخی از این نوع انحرافات مشکلاتی فردی هستند، ولی اکثر آنها به آن جهت که در ارتباط با فرد دیگر معنی پیدا می کنند عوارض اجتماعی را در بر خواهند داشت.

از سوی دیگر مبارزه با این دسته از آسیب ها در برخی موارد نیازمند تغییرات اساسی اجتماعی است و لازم است تحولاتی کلی و برنامه ریزی های دقیقی جهت رفع آنها صورت گیرد و این تغییرات با ارائه آموزش های وسیع اجتماعی برای افراد و خانواده ها و رفع عوامل بنیادی امکان پذیر خواهد بود.

این دسته از انحرافات نیز اغلب با سایر آسیب ها در ارتباط نزدیک هستند و گاهی حتی موجب بروز مشکلات جدی می شوند. مثل بیماری ایدز که با انحرافات جنسی ارتباط نزدیک دارد<sup>۱</sup>.

## ۷،۲. سیاهی های ازدواج سفید

ازدواج سفید یا همبازی مانند برخی تحولات نوظهور دیگر چند دهه ای است که برخی جوامع و جامعه ما را هم درگیر کرده است، واقعیتی که هست و قابل کتمان هم نیست، اما باید شدت و ضعف آن را سنجید و با کار کارشناسی و مطالعات بر اساس واقعیت ها جلوی ضررها را گرفت.

همبازی که در بین برخی و البته معدودی از جوانان دیده می شود و البته با فرهنگ جامعه ما همخوانی ندارد، شاید برخی موانع ازدواج موجب گرایش برخی جوانان به این سبک زندگی شده باشد بنابراین با برنامه ریزی در جهت رفع علل به وجود آورنده آن مانند فقر، بیکاری، کاهش موانع ازدواج و البته گفت و گو با جوانان می توان با این پدیده جدید برخورد منطقی داشت.

### ازدواج سفید یا همبازی

مصطفی اقلیما، رئیس انجمن علمی مددکاری اجتماعی ایران می گوید: ازدواج سفید در اصل یک لغت فرانسوی است و ما از آن به عنوان همبازی یا باهم بودن یاد می کنیم.

وی اضافه می کند: از قدیم ترین زمان ها قبل از اسلام هم این موضوع بوده است. بعد از اسلام شاید عنوان صیغه معادل آن است که در آن دو طرف توافق می کنند باهم باشند یا اینکه یک نوع معامله است.

اقلیما می افزاید: در صیغه که مختص به مردانی است که همسر دارند و زن هم بیوه است. دو طرف زن و مرد باهم توافق می کنند و نیازی هم به وجود یک روحانی برای انجام و خواندن صیغه نیست. در صورتی که ازدواج سفید بیشتر در بین جوانان مجرد وجود دارد.

وی افزود: در ازدواج سفید یا همبازی باید توجه داشت که دختر و پسر تا زمانی که عقدنامه نداشته باشند و ازدواج دائمی نکرده باشند دختر و پسر هستند و بیشتر هم ازدواج سفید شامل این نوع دختران و پسران است. این مسئله در ایران در ۱۰ تا ۱۵ سال گذشته بیشتر دیده شده است.

اقلیما در پاسخ به این پرسش که امروز چرا به اینجا رسیده ایم، می گوید: این شرایط از وضعیت و زیرساخت های جامعه ناشی می شود مسائلی مانند، بیکاری و بالا رفتن سن ازدواج به این پدیده مربوط است و اگر بخواهیم که این نوع مسائل حل شود، باید علل آن مشخص شود. صرفاً نمی شود فقط روی ازدواج سفید صحبت کرد و چرایی اینکه یک جوان ازدواج سفید می کند، باید بررسی شود.

استاد مددکاری اجتماعی می افزاید: در حال حاضر در کشور ما، هم ازدواج سفید هم صیغه هر دو غیررسمی است و صیغه هم بیشتر در افراد پولدار انجام می شود البته گاهی برای برخی موارد مانند اقامت در هتل ها باید کاغذی برای ثبت صیغه داشته باشند.

وی می گوید: در جامعه ما اگر افراد متوجه شوند که دختری قبلاً ازدواج سفید داشته است، دیگر کسی راضی به ازدواج با او نمی شود و این در حالی است که ازدواج موقت برای مردان دارای همسر است که اگر کودکی از آن حاصل شود عقد دائم خواهد شد. اما در ازدواج سفید هر دو طرف مجرد هستند و اگر بخواهند از هم جدا می شوند.

ازدواج سفید بیشتر در کلان شهرهاست

رئیس انجمن علمی مددکاری اجتماعی ایران اضافه می کند: ازدواج سفید بیشتر در کلان شهرها و شهرهای بزرگ دیده می شود و کمتر شاهد این پدیده در شهرهای کوچک تر هستیم. عموماً افرادی که در محل زندگی اصلی خود نیستند. به دلیل برخی از موارد برای زندگی مشترک توافق می کنند که باهم در یک خانه باشند. گاهی باهم هیچ گونه ارتباط جنسی هم ندارند.

وی ادامه داد: در برخی کشورها مانند فرانسه افراد در این نوع رابطه به شهرداری می روند و ثبت نام می کنند و از تمام مزایای یک زن و شوهر برخوردار می شوند و این در حالی است که در کشور ما یک زن و مرد نمی توانند رابطه صیغه ای خود را اعلام کنند.

۹۰ درصد از پسران دوست دختر خود را برای ازدواج انتخاب نمی کنند

این استاد دانشگاه تصریح می کند: در کشور ما ۹۰ درصد از پسران که با دختران دوست هستند ترجیح می دهند که همسر خود را از بین دوست دختران خود انتخاب نکنند.

وی معتقد است: در دیدگاه اسلامی وقتی انسان ها به بلوغ می‌رسند، زندگی شخصی‌شان به خودشان مربوط است و دیگر به ما ربطی ندارد. در حال حاضر در فرهنگ جامعه ما، اگر دختری ازدواج سفید یا همبازی و حتی صیغه هم باشد کسی راضی نمی‌شود با او ازدواج کند شاید ۱۰۰ سال دیگر این موضوع را بپذیرند ولی در حال حاضر نه.

وی افزود: تنها ۱۰ درصد از پسران راضی می‌شوند که با دوست دختر خود ازدواج دائم کنند و آن هم در صورتی است که دختر دارای شرایط برتر مانند پول دارتر بودن باشد.

### **آماري در مورد ازدواج سفید نداريم**

این استاد دانشگاه تأکید می‌کند: مشکل در اینجا مردان هستند، مردی که به دختر ۱۳ تا ۱۴ سال محبت بی‌مورد می‌کند و بعد از او سوءاستفاده می‌کند، مشکل اینجاست که هم قانون‌گذار و هم مجری قانون هر دو مرد هستند و حتی اگر زنی در خانه‌ای مورد تجاوز قرار بگیرد او را محکوم می‌کنند که چرا به آنجا رفته است تا اینکه مرد را مقصر و عامل اصلی این تجاوز بدانند، اگر می‌گوییم زن خیابانی، این زن به اصطلاح خیابانی در کنار یک مرد است که او هم خیابانی است، پس باید آن مرد را هم خیابانی بدانیم نه اینکه فقط از زن به عنوان خیابانی یاد شود.

وی تأکید کرد: ما برنامه‌ای برای حمایت از این‌گونه زنان نداریم و به علت‌های آن توجه نمی‌کنیم و هیچ‌گاه هم از خود سؤال نمی‌کنیم که علت ازدواج سفید چیست؟

### **دختران در ۹۸ درصد موارد به دلیل نیاز روحی دوست می‌شوند**

اقلیما اعلام کرد: بررسی‌ها نشان می‌دهد که دختران در ۹۸ درصد موارد به دلیل نیاز روحی با پسران دوست می‌شوند و دو درصد موارد فقط شامل رابطه جنسی می‌شود.

### **انتخاب مسئولان متخصص و پاسخگو راه حل بیشتر مشکلات است**

وی خاطرنشان می‌کند: اگر بخواهیم آسیب‌های اجتماعی را حل کنیم، می‌بایست مسئولان از بین افراد متخصص و کارشناس انتخاب شوند و عین حال هم پاسخگو باشند، چراکه اگر مسئول حتی در رده‌های کلان درست انتخاب شود به‌عنوان مثال اولین کار و وظیفه خود را ایجاد کار و اشتغال می‌داند، چراکه جوانانی که دارای کار باشند و مستقل باشند می‌توانند ازدواج کنند و بسیاری از مشکلات کاسته می‌شود.

### **۷۰ درصد جوانان بعد از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه ازدواج می‌کردند**

اقلیما می‌گوید: در زمانی که ما در دانشگاه مشغول تحصیل بودیم، ۷۰ درصد جوانان بعد از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه ازدواج می‌کردند، چراکه می‌توانستند وام بگیرند با آن خانه بخرند و کار داشتند و به راحتی زندگی خود و همسرانشان را تأمین می‌کردند.

وی می افزاید: در حال حاضر بیشتر جوانان تحصیل کرده بیکار هستند و بنا به این در بخش های خصوصی با ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان از روی ناچاری مشغول می شوند و این در حالی است که در برخی موارد در همین بخش خصوصی به آنها پیشنهادهایی برای برقراری روابط جنسی برای دوام همین کار بی اهمیت داده می شود و جوان هم اگر با این نوع پیشنهاد همراه نشود همین کار ناچیز را هم از دست خواهد داد.

### وام دادن برای ازدواج مسخره است

این استاد دانشگاه اضافه می کند: می گویند طلاق تبدیل به یک فاجعه شده است. چراکه ازدواج پایه اش پولی شده است، این مسخره است که دولت برای ازدواج وام می دهد، جوانی که کار ندارد وام بگیرد که ازدواج کند، خوب، بعد از ازدواج حالا کار هم ندارد و آن وام را هم می خورد، قسط های وام که شروع می شود باید برای پس دادن آنچه کار کند؟ باید دزدی کند؟ این روندی است که حتی در کشورهایی ضعیف مثل بنگلادش یا پیشرفته مثل آمریکا هم دیده نمی شود.

وی ادامه می دهد: حتی می گویند برخی جوانان با تکیه بر پدر و مادر ازدواج می کنند، این امر هم درست نیست، مگر چند درصد می توانند از سوی خانواده هایشان تأمین شوند یا در کنار آنها زندگی کنند و در کل شروع زندگی فقط با اتکا به پدر و مادر هم درست نیست، بلکه جوان باید خودش کار کند، خودش درآمد داشته باشد، روی پایش باشد، اتکای زیاد باعث طلاق می شود.

رئیس انجمن علمی مددکاری اجتماعی ایران می گوید: انتخاب برخی شاخص ها درست نیست، به عنوان مثال وقتی از آمار بیکاری می گوئیم اگر کسی که یک ساعت در ماه را کار داشته باشند، شاغل محسوب می شوند. با یک ساعت کار در ماه می شود چه کار کرد؟ و در عمل فرد شاغل محسوب نمی شود.

وی ادامه می دهد: در مبحث طلاق هم برخی از شاخص ها درست به نظر نمی رسد. ۷۰ درصد از طلاق ها در سنین زیر ۲۵ سال انجام می شود و ۲۸ سال به بالا شامل ۶ درصد طلاق ها می شود و این نشان می دهد که افراد دیگر بچه نیستند.

### راهکار افزایش ازدواج دادن وام، نیست ایجاد کار است

این استاد دانشگاه تأکید می کند: راهکار افزایش ازدواج فراهم کردن شرایط برای پرداخت وام نیست، بلکه باید کار برای جوانان ایجاد شود، با این روش ها مسئولان مشکل را گردن چیزهای دیگر می اندازند، در صورتی که پایه اول زندگی اقتصاد است.

وی در عین حال به حداقل استانداردهای زندگی در دنیا اشاره کرد و گفت: حداقل استاندارد تعریف شده برای زندگی شامل ۲۵ درصد از درآمد باید صرف مسکن، ۲۵ درصد صرف خوراک و پوشاک، ۲۵ درصد هم صرف تفریحات و بیماری و ۲۵ درصد هم پس انداز شود.

## گرانی عامل افزایش طلاق

اقلیما تصریح می کند: در حال حاضر شاهد هستیم که قیمت برخی کالاها ۷۵ تا ۸۰ درصد افزایش می یابد در صورتی که فقط با این همه کار کارشناسی و با حضور افراد متخصص، فقط ۱۰ درصد حقوق اضافه می شود. هیچ تناسب و تعادلی بین حقوق و افزایش قیمت وجود ندارد و طبیعی است که مردمی که دچار فقر می شوند به آسیب های اجتماعی از جمله طلاق کشیده می شوند.

وی تأکید کرد: متأسفانه باید گفت، کسی پاسخگو نیست، اقتصاددان و حتی روانشناس ما جهان سومی می اندیشند و این طبیعی است که کسی که کار و درآمد ندارد دیگر حوصله ندارد و آن وقت او را یک فرد افسرده قلمداد می کنند، نباید او افسرده تلقی کرد، بلکه باید مشکل بیکاری حل شود تا فرد تحرک، پویایی نشاط و داشته باشد با اتکا به خودش زندگی کند.

این استاد دانشگاه تأکید کرد: در جامعه آسیب های قابل تبدیل به هم هستند و اگر بخواهیم آسیب هایی مثل اعتیاد، طلاق، دزدی و برخی دیگر را حل کنیم و یا کاهش دهیم باید زیرساخت ها درست شود و افراد متخصص در سرکار باشند و شایسته سالاران در مسند امور باشند.

## یک دهه است که شاهد ازدواج سفید هستیم

حسن موسوی چلک رئیس انجمن مددکاری اجتماعی ایران نیز معتقد است: یکی از موضوعاتی که یک دهه است با آن مواجه هستیم ازدواج سفید است که ما به آن هم باشی اطلاق می کنیم.

وی می گوید: جامعه ایران هم اکنون این سبک زندگی را نمی پذیرد عوامل مختلفی در این پدیده دخیل هستند. این نوع زندگی مسئله جدی برای جامعه ما نخواهد بود، چراکه موارد آن کم است و چون با بسترهای جامعه ما همخوانی ندارد. این سبک از زندگی در ایران فقط در برخی شهرهای بزرگ و به صورت محدود دیده می شود.

وی اضافه می کند: این پدیده یا این سبک از زندگی دلایل مختلفی دارد، بخشی از آن اقتصاد است که موجب انتخاب این سبک از زندگی برای برخی افراد شده است، در این موارد دوفری که می خواهند زندگی مستقل را تجربه کنند و خودشان آن را مدیریت کنند تن به این نوع زندگی می دهند.

موسوی چلک تأکید می کند: البته همیشه هم اقتصاد در این سبک از زندگی دخیل نیست، چراکه در این بین افرادی هستند که دارای زندگی مرفه هستند، اما باز هم آن را انتخاب می کنند.

### برخی می خواهند مسئولیت زندگی دائمی را نداشته باشند

رئیس انجمن مددکاری اجتماعی ادامه می دهد: از دیگر دلایل این سبک زندگی این است که برخی افراد نمی خواهند مسئولیت پذیری یک زندگی دائم را داشته باشند و هر وقت بخواهند بتوانند قطع رابطه کنند هرچند زندگی در کنار هم به مرور وابستگی ایجاد می کند، اما این افراد از مسئولیت دائم فرار می کنند.

### بالا رفتن سن ازدواج یکی از دلایل ازدواج سفید است

موسوی چلک می گوید: به دلایل مختلفی شرایط برای ازدواج دائم سخت شده است و بالا رفتن سن ازدواج هم یکی از دلایل ازدواج سفید است، چراکه نمی شود، غرایز را سرکوب کرد. برخی از جوانان برای رفع نیازهای عاطفی خود به ازدواج سفید رو می آورند و شاید در برخی از موارد حاصل این نوع ازدواج ها بارداری های ناخواسته باشد.

### برخی به نادرست ازدواج سفید را همان دوران نامزدی قلمداد می کنند

رئیس انجمن مددکاری اجتماعی ایران می گوید: برخی افراد در استدلال های نادرست ازدواج سفید را همان دوران نامزدی قلمداد می کنند که در حال حاضر شکل آن تغییر کرده است، در صورتی که این طور نیست، چراکه بر اساس فرهنگ ما نامزدی بر اساس چارچوب خانوادگی و به صورت رسمی شکل می گیرد و هم در بین اقوام و خانواده اعلام می شود. اما ازدواج سفید چون هنوز پذیرش اجتماعی ندارد، در اغلب موارد پنهان می شود.

وی خاطرنشان می کند: برخی از کسانی که تن به ازدواج سفید یا همبازی می دهند آن را برای خود یک نوع کلاس و یک نوع سبک زندگی می دانند و به دلیل اینکه خاستگاه این پدیده غرب است. اما باید توجه کرد که هر حرکتی برخلاف هنجارهای جامعه تبعات منفی دارد و شانس را برای ازدواج دائم جوانان را کم می کند. هرچند که برخی از این ازدواج های سفید شاید منجر به ازدواج دائم هم بشود.

موسوی چلک ادامه می دهد: معمولاً در این گونه روابط زنان و دختران آسیب پذیرتر هستند، چراکه این سبک زندگی در چارچوب قوانین نیست و در عمل هیچ حمایتی مطرح نیست.

وی تأکید می کند: زمانی که شرایط برای ازدواج سخت می شود و معاش هم سخت تر، باید شاهد تحولاتی در زندگی باشیم، اما آنچه مسلم است این است که با توجه به فرهنگ ما، برای جامعه ما این سبک از زندگی قابل قبول نیست و آن را پس می زند و درجهایی که بیشتر در آنها گمنامی هست مثل شهرهای بزرگ بیشتر شاهد این نوع پدیده ها هستیم.

موسوی چلک تأکید می کند: در حال حاضر بیش از اینکه این نوع موضوعات در محافل علمی مطرح شود در رسانه ها مطرح می شود. چنین موضوعاتی از اولویتهای مهم جامعه نیست و حداقل در بین موارد مهم آسیب های اجتماعی نیست.

وی بابیان اینکه هیچ کس آمار دقیقی از این نوع ازدواج ها یا همبازی ها ندارد، می گوید: سیاست گذاری های درست کمک می کند که شرایط اقتصادی و اجتماعی بهتر شود و تأثیرگذاری بر روی این پدیده داشته باشد و جوانان هم با اطمینان از آینده خود در مسیر زندگی خود حرکت کنند.

رئیس انجمن مددکاری اجتماعی ایران می گوید: آموزش های پیامدهای این سبک از زندگی برای جوانان در مکان های مختلف مانند دانشگاه ها می تواند اطمینان و امید جوانان به زندگی را افزایش دهد و به همراه آن از گسترش آسیب ها هم کاسته خواهد شد، اما غفلت به هر طریقی از اطمینان جوانان می کاهد و به دنبال آن شاهد پدیده ها و آسیب های نوظهور اجتماعی خواهیم شد<sup>۱</sup>.

## ۸.۲. بدحجابی

### ناهنجاری های مربوط به پوشش:

تخطی از هنجارهای اجتماعی و فرهنگی در امور و شیوه زندگی گاه چنان عوارض و تبعات عمیق و تأثیر گزار دارد که بسیاری از فرآیندهای اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار می دهند. عدم رعایت حجاب بیشترین اثر منفی را بر رفتار و فرهنگ عمومی به خصوص جوانان و نوجوانان داشته و پدیدآورنده معضلات و افزایش آسیب ها ، جرائم و آشفتگی هایی نظیر مزاحمت های خیابانی و فساد اخلاقی بوده و مورد اعتراض بانوان کشور نیز می باشد که هزینه های اجتماعی قابل توجهی را به دنبال خواهد داشت.

همچنین ترویج مدهای ماهواره ای مغایر با فرهنگ بومی و هنجارشکن ، به علاوه وجود زمینه های روان شناختی عده ای خاص برای پذیرش آنها ، منجر به حضور افرادی در جامعه با لباس و پوشش نمایش گرایانه متضاد با شئون شهروندی، عرف اجتماعی و فرهنگ باور دینی گردیده است.

### علل و عوامل بدحجابی:

- هجوم فرهنگ غرب و تلاش استعمار در کشف حجاب
- اعتقاد به دست و پا گیر بودن حجاب برای کار و تلاش
- پیروی از هوس های نفسانی و خوش گذرانی بدون قید و بند
- دگرگونی ارزش ها و اعتقاد کاذب به این که شخصیت زن در این است که زیبایی هایش را آشکار کند.

## ۹.۲. فحشا

فحشا در جامعه گذشته از این که عوامل فرهنگی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهد، به دلیل آن که نیاز اقتصادی دسته ای از زنان مجرم را برآورده می سازد، باعث افزایش مبادرت به این کار از سوی برخی از زنان شده است. به طوری که محدود زنانی که نیاز مالی دارند و به راحتی قادر به یافتن شغل نیستند، به این پدیده به عنوان راهکار کسب درآمد می نگرند. اما همین درصد کم می تواند جمعیت گسترده ای از مردان را از ازدواج منصرف کند که در نهان ضررهای ناشی از این قضیه متوجه خود زنان خواهد بود.

از برخی از علل فحشا می توان به موارد زیر اشاره نمود :

۱- نارضایتی از خانه - پدر یا همسر

۲- بی سواد و فقر فرهنگی

۳- تسلیم شدن در مقابل مردان به امید ازدواج آینده

۴- عدم آگاهی افراد و والدین

۵- استفاده های نامناسب ارتباطی از طریق رسانه ها

۶- سوء استفاده توسط فرصت طلبان

فرار از منزل :از برخی از علل فرار از منزل می توان موارد زیر اشاره نمود:

۱- تبعیض

۲- ناسازگاری با والدین

۳- اغفال

۴- نداشتن امنیت در خانه

۵- از هم پاشیدگی خانواده ( طلاق )

۶- مناسب نبودن وضعیت اقتصادی خانواده

۷- کسب منزلت

۸- کم عقلی



۹- گاهی به دلیل عدم سلامت فکری و روحی<sup>۱</sup>.

## ۱۰،۲. مهاجرت

مهاجرت علاوه بر مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که دارد مستلزم تغییراتی خاص است که مطابقت و سازگاری با آنها اغلب مشکلاتی را برای فرد و جامعه ایجاد می کند.

به عبارتی علاوه بر اینکه مهاجرت در برنامه ریزی های کلان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مشکلاتی را ایجاد می کند، مثل مهاجرت روستاییان به شهرها که خالی شدن روستاها از سکنه، کاهش کشاورزی، افزایش مشاغل کاذب و ... را به دنبال دارد موجب می شود، تا فرد برای سازگاری با تغییرات حاصل فشار زیادی را متحمل شود.

شوک فرهنگی یکی از عوارض حاصل از مهاجرت است که با اضطراب و افسردگی، احساس جدا شدن و مسخ واقعیت و مسخ شخصیت مشخص است.

تحقیقات نشان می دهد شیوع مشکلات روحی و روانی بین مهاجرین به خصوص در بین مهاجرینی که شرایط مقصد بسیار متفاوت از شرایط مبدأ یا محل سکونت قبلی آنها بوده است شیوع بیشتری دارد. رایج ترین اختلال علائم پارانویید یا سوءظن است که به احتمال قوی به دلیل تفاوت های آنان از نظر زبان، عادات و آداب و رسوم، چهره، نوع لباس و غیره است.<sup>۲</sup>

## ۱۱،۲. فقر

فقر درواقع مادر تمام آسیب های اجتماعی است. فقر با بسیاری مسائل زیر پا ازجمله ضعف تندرستی و افزایش مرگومیر، بیماری روانی، شکست تحصیلی، جرم و مصرف دارو رابطه دارد.

هرچند خود فقر به طور ذاتی یک مشکل و آسیب است، اما این لزوماً به این معناست که تمام افرادی که زیر خط فقر زندگی می کنند.

افرادی نابسامان و مشکل ساز برای اجتماع هستند. مشکلات اقتصادی، عدم تأمین نیازهای جسمی و روانی اغلب زمینه ای برای بروز و ظهور مشکلات اجتماعی دیگری است.

## بیکاری

بیکاری معضل اجتماعی دیگری است که هم آسیب های جدی فردی و هم آسیب های قابل ملاحظه اجتماعی را در دامن دارد. بیکاری به ویژه در نسل پرانرژی و جوان که انرژی و قدرت و نیروهای آنها را کد و بی مصرف باقی می ماند نمود بیشتری پیدا می کند و زمینه را برای انواع انحرافات اجتماعی فراهم می سازد.

۱. بنیاد پیشگیری از آسیب های اجتماعی، [www.pishgiri.org](http://www.pishgiri.org).

۲. [www.hamshahrionline.ir](http://www.hamshahrionline.ir).

وجود فرصت های همیشه خالی، عدم تحمل بیکاری، فقدان قدرت تأمین نیازها به دلیل نداشتن درآمد، زمینه هایی آماده برای کاشت بذر جرم و انحرافات می باشند<sup>۱</sup>.

## ۱۲،۲. بی خانمانی

منابع فزاینده ای وجود مسائل ویژه ای را در افراد بی خانمان تأیید می کنند. چنین کسانی ممکن است در خیابان ها سرگردان باشند یا به علل برخی بزه کاری های دیگر که معمولاً توأم بابتی خانمانی آن هاست مثل دزدی، اعتیاد و ... در زندان ها یا کانون های اصلاح و تربیت بسر برند.

در بین افراد بی خانمان دسته های مختلفی از افراد دیده می شود، یک دسته شامل بیماران روانی شدید هستند که اغلب یا مدت هاست از خانواده خود دورند یا به طور موقتی از خانه خارج شده اند. معتادین گروه دیگری از این افراد را شامل می شوند که معمولاً مراحل عمیق اعتیاد خود را می گذرانند<sup>۲</sup>.

## ۱۳،۲. کودک آزاری

کودک آزاری عبارت است از هرگونه فعل یا ترک فعلی که باعث آزار روحی و جسمی و ایجاد آثار ماندگار در وجود یک طفل شود، برخی از این آثار می تواند مخفی باشد.

ممانعت از حاضر شدن در کلاس درس، محروم کردن او از غذا، حبس در حمام یا زیرزمین اشکال مخفی کودک آزاری است.

تنبيه بدنی و تجاوز جنسی به کودک هم از انواع کودک آزاری فیزیکی است که علائم آن قادر به ردیابی است.

کودک آزاری مربوط به طبقه خاصی نمی شود و فقر فرهنگی به اندازه فقر اقتصادی می تواند در آن خطرآفرین باشد، به نحوی که مسئله کودک آزاری در بین افراد تحصیل کرده و با بضاعت مالی خوب هم دیده می شود<sup>۳</sup>.

در این میان باید توجه داشت که کودک آزاری با تنبيه بدنی متفاوت است. با تنبيه به کودک می فهمانند که باید رفتار خود را اصلاح کند؛ اما متأسفانه به علت عدم آگاهی و همچنین نقض قانونی بسیاری از پدران و مادران به بهانه تنبيه کودک خود را در معرض هرگونه آسیب روحی و روانی قرار می دهند.

به طور کلی می توان کودک آزاری را به ۳ بخش تقسیم کرد. کودک آزاری جسمی، یعنی تنبيه بدنی سخت و محروم کردن کودک از غذا و پوشاک، کودک آزاری جنسی یعنی سوءاستفاده جنسی توسط اطرافیان و همچنین بی توجهی به نیازهای کودکان و آفرینش خلاقیت توسط آنها. کار اجباری نیز یکی از شایع ترین موارد کودک آزاری است.

نباید انواع خشونت های کلامی و روحی را نیز نادیده گرفت. تحقیر کردن، سرکوفت زدن، مقایسه نادرست با همسالان، ناسزا گفتن و ... اگر تداوم داشته باشد، می تواند جزو انواع کودک آزاری شمرده شود<sup>۴</sup>.

۱. www.hamshahrionline.ir

۲. www.hamshahrionline.ir

۳. www.hamshahrionline.ir

۴. www.hamshahrionline.ir

## ۱۴,۲. تكدی گری

یکی از مسائل موردتوجه مطالعات جامعه‌شناسی تكدی گری است که با ساخت‌های اجتماعی - اقتصادی هر جامعه‌ای در ارتباط است. تكدی گری یکی از معضلات و آسیب‌های اجتماعی کلان‌شهر به حساب می‌آید.

آنان که با گدایی کردن حیات می‌گذرانند، نه تنها به کار تولیدی نمی‌پردازند یا خدمتی ارائه نمی‌دهند، بلکه در مسیرهای انحرافی قدم می‌گذارند. در این حالت، جامعه آسیب‌دیده و مغشوش می‌شود و در نهایت راه برای هنجارشکنی هر چه بیشتر باز می‌شود.<sup>۱</sup>

## ۱۵,۲. طلاق

طلاق به معنی پایان قانونی ازدواج و جدا شدن همسران از یکدیگر است. طلاق معمولاً وقتی اتفاق می‌افتد که استحکام رابطه زناشویی از بین می‌رود و میان زن و شوهر ناسازگاری و تنش وجود دارد.

طلاق اجتماعی، تغییرات در دوستی‌ها و سایر روابط اجتماعی است که مرد یا زن طلاق گرفته با آن‌ها سروکار دارند. طلاق روانی، موقعیتی است که از طریق آن فرد پیوندهای وابستگی عاطفی به همسرش را قطع کند و به تنها زیستن تن دردهد.

نبود ناگهانی همسر ممکن است احساس اضطراب یا هراس ایجاد کند؛ هرچند برخی نیز ممکن است پس از طلاق احساس خوشحالی داشته باشند.

معمولاً زنان از طلاق بیش از مردان از نظر اقتصادی زیان می‌بینند، اما فرآیندهای سازگاری روانی و اجتماعی برای مردان و زنان تفاوت چندانی ندارد. بعضی از مردان و زنان ممکن است پس از طلاق به ازدواج مجدد تن در دهند.<sup>۲</sup>

طلاق در زمره غم‌انگیزترین پدیده‌های اجتماعی است. طلاق، تعادل انسان‌ها را برهم زده و آثار شومی را در جامعه بر جای می‌گذارد و منجر به کاهش انسجام و یکپارچگی اجتماعی (Solidarity) می‌شود و سنگ بنای اجتماع را از هم می‌گسلد. طلاق پدیده‌ای است به تمام معنی اجتماعی و همانند نهاد اجتماعی عمل می‌کند. زمانی که جامعه در معرض آسیب‌های بنیادی است، روابط اجتماعی بیمار هست و فساد گوشه گوشه جامعه را در بر گرفته است. طلاق یک معلول است، از آن رو که تابع شبکه پیچیده و به هم پیوسته‌ای از عوامل اجتماعی است.<sup>۳</sup>

کاهش درآمدها و تورم در ایران، موجب افزایش تنش‌ها و ستیز در داخل خانواده شده است و علیرغم آنکه هنوز نگرش منفی نسبت به طلاق در جامعه وجود دارد، اما میزان آن رو به افزایش است. طلاق، نتیجه جامعه‌ای است که هیچ رابطه نرمالی بین درآمد و هزینه برقرار نکرده است. از سوئی مانور تجمل در جامعه سر داده می‌شود و از سوی دیگر برنامه تعدیل اقتصادی ارائه می‌شود که موجب شکاف بین مطالبات و امکانات گردیده و معضلات اقتصادی منجر به افزایش طلاق شده است. به نظر می‌رسد برنامه تعدیل ساختاری از طریق تورم فزاینده و گسترش و تعمیق فقر، علاوه بر اینکه در کوتاه مدت،

۱. www.hamshahrionline.ir

۲. www.hamshahrionline.ir

۳. دکتر باقر ساروخانی، طلاق - پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۲۰.

اثر از هم گسیختگی و طلاق را بر جای می گذارد، در بلندمدت آثاری بر نهاد خانواده می گذارد که بسیار عمیق تر است و بیشتر مترتب بر فرزندان می باشد<sup>۱</sup>.

در زندگی پس از جدایی والدین که کودک تک والدی است و مادر سرپرست وی می باشد، به دلیل فقدان، پدر مسائل روحی و روانی بسیاری برای دختران ایجاد می شود که از جمله آنها بدبینی به جنس مرد، بی خبر ماندن از روحيات و ساختار وجودی مردان است که گاه آسیب های آن در ازدواج چنین دخترانی آشکار می گردد. همچنین احساس بی پناهی و ضعف شخصیت در این دختران بروز می کند. در صورت فقدان مادر نیز آسیب های عاطفی و شخصیتی و اختلال در رشد ذهنی، اجتماعی و اخلاقی فرزند پدید می آید. یک پدر هر چه تلاش کند و بتواند نقش مادر را با موفقیت بازی کند، نخواهد توانست نیاز به عواطف مادرانه را در کودکان ارضا کند، به ویژه اگر محرومیت کودک از مادر با ازدواج دوباره پدر، وجود مادر دوم یا نامادری مواجه گردد که در این حال فرزندان پدر را از دست می دهند و بر کمبودهای آنان افزوده می شود<sup>۲</sup>. وقتی طلاق اجتناب ناپذیر می شود، مسئله مهم سرپرستی کودکان است. تک والدی مشکلات خاص خود را به همراه خواهد داشت، از جمله اینکه اگر کودک با هر دو والد در ارتباط باشد، یعنی یکی از والدین، کودک را سرپرستی نماید و دیگری هم بتواند با او دیدار کند، ناهماهنگی میان دو الگو، دو نوع روحیه و شخصیت را به او خواهد آموخت. به ویژه اگر والدین در رفتار و سخنان خود سعی در موجه کردن رفتارهای خود داشته باشند، کودک قادر نخواهد بود هماهنگی و سازگاری میان این دوگونه رفتار را بیابد. از طرفی زندگی با یک والد و بی ارتباط بودن با والد دیگر موجب می شود که کودک شناخت صحیحی از جنسیت و صفات روحی و بیولوژیکی والد دیگر پیدا نکند، لذا پسرهایی که با مادر زندگی می کنند، ممکن است با بسیاری از صفات مردانه بیگانه و بی تجربه بمانند و برعکس دخترانی که تنها با پدر زندگی می کنند، احتمال دارد از شناخت الگوهای رفتاری زنان و اصول خانه داری و همسر داری محروم بمانند. دختران نوجوان نیازهای دیگری دارند، آنها فکر می کنند که والدین مدل های اساسی نقش آموزی هستند و بدون حضور آنها رشد مناسب رفتار بزرگ سالی در نوجوان مشکل خواهد بود، علی الخصوص زمانی که این عدم حضور در اثر طلاق باشد. کاملاً بدیهی و منطقی است که اگر الگویی وجود نداشته باشد، نقش آموزی دچار مشکل می شود و منطقی تر اینکه این فقدان در صورتی که ناشی از یک ضد ارزش باشد، نقش آموزی سخت تر می گردد. به عبارت دیگر فرزندان باقی مانده از طلاق در همانندسازی مشکلات زیادی خواهند داشت. پسر در همانندسازی از پدر و دختر در الگوپذیری از مادر. از سوی دیگر با فقدان حضور پدر کنترل فرزند پسر توسط مادر به دشواری انجام می شود. زیرا والدین بر روی کودکان هم جنس خود کنترل بیشتری دارند، با فقدان حضور پدر، درواقع پسر، مهم ترین منضبط کننده خود را از دست می دهد، با توجه به اینکه سرپرستی کودکان پس از طلاق غالباً با مادران است<sup>۳</sup>.

## ۱.۶.۲. ازدواج دیر

زمینه ساز سایر آسیب های اجتماعی زنان (دختران فراری، زنان خیابانی)، افزایش جرم ها، افزایش طلاق، کاهش اعتماد بین دختران و پسران، نگرانی های ذهنی والدین و عدم تمرکز آنها به مولد بودن خانواده

۱. فاطمه بابایی، تعدیل ساختاری و فقر و ناهنجاری های اجتماعی، انتشارات کویر، ۱۳۸۰، ص ۱۶۳.

۲. زهرا گواهی، بررسی حقوق زنان در مسئله طلاق، چاپ سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۱۴۷ و ص ۱۵۴.

۳. دکتر تاپیر، بچه های طلاق، توراندخت تمدن، انتشارات روشنفکران، ۱۳۶۹، ص ۹۹.

## ۱۷،۲. خشونت علیه زنان

خشونت علیه زنان نوعی بیماری همه گیر جهانی است که در سکوت پیشروی می کند و همه ملیت ها کم و بیش به آن مبتلا هستند. زنان همچنان با این زشت ترین نماد تبعیض و نابرابری در حقوق و در زندگی روزمره خود در سرتاسر جهان روبه رو هستند. خشونت علیه زنان هرگونه عمل خشن مبتنی بر جنسیت است که موجب آزار یا صدمه جسمی، جنسی یا روانی گردد. عواقب غیر کشنده خشونت عبارتند از: عوارض روانی: اضطراب، افسردگی، ترس، کاهش اعتماد به نفس، مشکلات جنسی، وسواس، اختلال خوردن، اختلال خواب، سرزنش خود و اختلال در ایجاد ارتباط. افسردگی در ۲ ماه اول پس از خشونت رایج است و اضطراب در یک سال اول<sup>۱</sup>.

## ۱۸،۲. آسیب های نوپدید (شبکه های مجازی)

آسیب های نوپدید، آسیب های مرتبط با فناوری های جدید است که آسیب های ناشی از استفاده از ماهواره، بازی های رایانه ای، تلفن همراه و اینترنت می توانند در این مجموعه قرار گیرند و می تواند زمینه ساز نوع جدیدی از آسیب های اجتماعی و روانی باشد. حریم خصوصی افراد آن قدر اهمیت دارد که احترام به آن در قرن حاضر از مرزهای سنتی دین و اخلاق فراتر رفته و در بیشتر کشورهای جهان ضمانت قانونی پیدا کرده است، اما شئون انسانی و اهمیت حفظ آن در فضای مجازی و امنیت اطلاعات مبادله شده با چالش هایی مواجه شده و سلامت اخلاقی و حتی جسمانی کودکان و نوجوانان در جامعه به مخاطره افتاده است.

- اکثر والدین نیز به دلیل عدم آشنایی با اینترنت و ظرفیت های آن و شبکه های اجتماعی فضایی و فناوری های نوین ارتباطی، از رفتارهای آنلاین فرزندان در فضای مجازی اطلاعی ندارند. همین مسئله راه را برای صیادان اینترنتی باز می کند تا راحت تر بتوانند طعمه های خود را از میان افرادی انتخاب نمایند که به نوعی دچار انواع آسیب های اجتماعی هستند و بدون در نظر گرفتن تهدیدات و معایب این فضا به دنبال تفریح در آن هستند.

- فضای مجازی همچنین فضایی محدود به افکار کاربران آن است که به دلیل ناشناس بودن فرستنده و گیرنده پیام، امکان سوءاستفاده طرفین از هم افزایش می یابد.

به طور خلاصه، پیامدها و اثرات منفی شبکه های اجتماعی مجازی بر فرد و خانواده عبارتند از:

۱- شکل گیری و ترویج سریع شایعات و اخبار کذب؛

۲- تبلیغات ضد دینی و القای شبهات در عقاید افراد؛

۳- نقض حریم خصوصی افراد؛

- ۴- انزوا و دور ماندن از محیط های واقعی اجتماع؛
- ۵- تأثیرات منفی رفتاری که فرد با عضویت در هر شبکه اجتماعی درگیر نوع خاصی از فرهنگ ارتباطاتی می شود نظیر برخورد، تکیه کلام، اصطلاحات مخصوص، رفتار، تیپ شخصیتی و ظاهری و ...؛
- ۶- مصنوعی شدن ارتباطات و از بین رفتن روابط صحیح اجتماعی؛
- ۷- تضعیف نهاد خانواده و صله ارحام؛
- ۸- بی هویتی، بحران هویت و اختلال شخصیت در بین نوجوانان و جوانان؛
- ۹- جرئت و جسارت ارتکاب جرم به سبب ناشناخته بودن در محیط سایبری؛
- ۱۰- اعتیاد رفتاری به اینترنت، چت و شبکه های اجتماعی که نتیجه آن افسردگی، اضطراب، بی خوابی، کاهش روابط اجتماعی با اطرافیان، انزوا، مختل شدن فعالیت های روزمره، رها کردن شغل (بیکاری) و ... است؛
- ۱۱- فریب و بهره کشی جنسی؛
- ۱۲- تلف شدن وقت جوانان و فاصله گرفتن آنها از واقعیت؛
- ۱۳- سوءاستفاده از پروفایل ها و سایت های دوستیابی؛
- ۱۴- آسیب های سوءاستفاده از اطلاعات داخل رایانه های خصوصی مردم؛
- ۱۵- دوستی های بدون مرز و ضابطه؛
- ۱۶- قرار دادن فایل های مبتذل در دسترس عموم کاربران؛
- ۱۷- انتقال هنجارها و نرم های ارزشی و اخلاقی غربی؛
- ۱۸- وابستگی شدید روانی و فکری به اینترنت و شبکه های اجتماعی؛
- ۱۹- آسیب های جسمانی از قبیل فشارهای عصبی، چاقی، انزوا، چشم درد و ...؛
- ۲۰- گسست فکری و عاطفی که با ورود اینترنت و شبکه های اجتماعی به درون خانواده ها بین والدین و فرزندان جدایی فکری، عاطفی و فیزیکی رخ می دهد و پیشرفت خیره کننده فناوری تأثیرات محسوس و نامحسوس زیادی را بر زندگی خانواده ها به ویژه دختران و بانوان گذاشته است؛
- ۲۱- تهدید بنیان های خانواده و نارضایتی های خانوادگی، مانند افزایش سن ازدواج، تجرد جوانان، طلاق، فرار از منزل، فحشا، سردی روابط زن و شوهر و سایر مسائل و مشکلات خانوادگی ...؛
- ۲۲- گسترش ارتباطات نامتعارف بین نوجوانان و جوانان؛

۲۳- تعارض ارزش ها؛

۲۴- تغییر سبک زندگی و ذائقه جوانان؛

۲۵- شکل گیری خرده فرهنگ های مختلف؛

۲۶- تضعیف اعتقادات و گسترش شبهات فکری؛

۲۷- رواج سطحی نگری فکری؛

۲۸- انحرافات جنسی و اختلالات جنسی؛

۲۹- گسترش اباحه گری عملی؛

۳۰- گریز از واقعیت و ...

### ویژگی های فضای سایبری (شبکه های اجتماعی مجازی)

۱- جهانی و فرامرزی بودن: از ویژگی های منحصر به فردی که فضای سایبر را از دیگر رسانه ها ممتاز می سازد، جهانی بودن آن است. هر فردی در دو نقطه از جهان می تواند از طریق آن به آسانی به جدیدترین اطلاعات دست یابد. مرزهای جغرافیایی تاکنون نتوانسته از گسترش روزافزون فضای سایبر جلوگیری کند؛ از این رو هر نوع فیلتر و مرزبندی در برابر آن بسیار دشوار می نماید.

۲- دستیابی آسان به آخرین اطلاعات: چنانچه بخواهید به آخرین مقاله، کتاب و یا خبری که در زمینه تخصصی در سطح جهان منتشر شده، دست یابید، ساده ترین و سریع ترین راه استفاده از فضای سایبر است.

۳- جذابیت و تنوع: رسانه ها از فیلم، عکس، متن و یا هر هنر دیگری برای جذاب کردن مخاطب خویش استفاده می کنند و این ابزارها در فضای سایبر قابل دستیابی است؛ به ویژه آنگاه که هیچ نظارت و فیلتری توان محدود کردنش را نداشته باشد. از ویژگی های منحصر به فردی که در تنوع و جذابیت فضای سایبر تأثیر بسزایی دارد، مشتری محوری محض است. در متون نوشتاری ارتباطی تنگاتنگ میان خوانندگان و نویسندگان وجود دارد که خواننده به راحتی می تواند نظر خود را با شخص نویسنده در میان بگذارد؛ از سوی دیگر، امکان نظرسنجی و ارزیابی در این فضا بسیار آسان تر و روزآمدتر است و این توانایی را به داده پردازان، فروشندگان و عرضه کنندگان محصولات اینترنتی می دهد که از آخرین خواسته های مشتریان و مخاطبان خود مطلع شوند.

۴- آزادی اطلاعات و ارتباطات: معنای واقعی آزادی اطلاعات در فضای سایبر محقق شده است؛ از این رو شما هر نوع اطلاعاتی را که بخواهید اعم از فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، بدون محدودیت های حاکم بر دیگر رسانه ها در فضای سایبر قابل دسترسی است. آزادی ارتباطی نیز از ویژگی های دیگر فضای مجازی است که در دیگر وسایل ارتباطی تا این حد قابل دستیابی نیست.

### ویژگی ها و عملکرد شبکه های اجتماعی

۱- ارائه خدمات، مانند چت، وبلاگ نویسی، ایمیل، پیام های فوری، ویدئو، اشتراک گذاری فایل، اشتراک گذاری عکس و غیره؛

۲- ساخت یک پایگاه داده از کاربران که باعث می شود تا کاربران دوستان خود را بیابند و درعین حال اجتماعات مختلفی هم شکل می گیرند؛

۳- آزاد و بدون هزینه هستند؛

۴- به اشتراک گذاری علاقه مندی ها (دیدگاه های سیاسی و یا فعالیت های تجاری، مذهبی، ملیت و مبتنی بر هویت و ...)

۵- ترکیب سازی های جدید برای گرفتن اطلاعات و ارتباطات از قبیل اتصال به تلفن همراه؛

۶- اضافه کردن ویژگی های جدید را بر اساس نظرات کاربران؛

۷- اجازه دادن به کاربران برای دسترسی و تنظیم قوانین و حفظ حریم خصوصی؛

۸- ایجاد جوامع و گروه های مختلف؛

۹- فراهم کردن زمینه ای برای ملاقات با افراد غریبه یا کسانی که به زمینه های مختلف موردنظر افراد، نزدیک هستند.

انسان در خانواده، فرایند جامعه پذیری را می آموزد که مجموعه ای از بایدها و نبایدها است و نقش هایی را در روابطش با دیگران یاد می گیرد. آنچه در خانواده از اهمیت برخوردار است، توجه به ارزش ها، به ویژه ارزش های خانوادگی و اجتماعی است. ارزش های اجتماعی از اساسی ترین عناصر نظام اجتماعی هستند که از طریق آنها می توان جامعه را کنترل کرد و به سوی زوال یا تعالی سوق داد؛ بنابراین خانواده ها باید عواملی را که موجب پیدایش، شکل گیری و تقویت ارزش ها و ارتباطات خانواده و جامعه می شوند، بشناسند<sup>۱</sup>

اینترنت شکاف میان نسل ها را بیشتر کرده است و اکنون شکاف میان نسل دوم و سوم علاقه مند به اینترنت نیز آشکار شده، به گونه ای که هیچ یک زبان دیگری را نمی فهمند. امروزه با ورود وسایل و تکنولوژی های جدید به عرصه خانواده ها، شاهد این هستیم که والدین و فرزندان ساعت های متمادی در کنار یکدیگر می نشینند، بدون آنکه حرفی برای گفتن داشته باشند. ما دیگر کمتر نشانه هایی از آن نوع خانواده هایی را داریم که والدین و فرزندان دورهم نشسته و درباره موضوعات مختلف خانوادگی و کاری باهم گفت و گو کرده و نظرات همدیگر را راجع به موضوعات مختلف جویا شوند. در شرایط فعلی روابط موجود میان والدین و فرزندان به سردی گراییده و دو نسل به دلیل داشتن تفاوت های اجتماعی و تجربه های زیسته مختلف، زندگی را از دیدگاه خود نگریسته و مطابق با بینش خود آن را تفسیر می کنند. نسل دیروز (والدین)، احساس دانایی و باتجربگی می کند و نسل امروز (فرزندان) که خواهان تطابق با پیشرفت های روز است، در برابر

۱. مجید کفاشی، ۱۳۸۹، «آثار نظم و تضاد خانواده بر خشونت علیه کودکان»، فصلنامه پژوهشی اجتماعی، سال سوم، شماره ۶



آنها واکنش نشان می دهد و چون از پس منطق و نصیحت های ریشه دار و سرشار از تجربه آنها برنمی آید به لجبازی روی می آورد<sup>۱</sup>.

امروزه سرعت تکنولوژی شکاف بین نسل فرزندان و والدینشان را بسط داده است. بر اساس اظهارات معاون سازمان بهزیستی کشور، میزان گفت و گو در بین اعضای خانواده در کشور تنها حدود ۳۰ دقیقه است که این می تواند آسیبزا باشد. فرزندان در مقایسه با والدین با وجود اینکه در یک فضای فرهنگی زندگی می کنند، اطلاعات، گرایش ها و رفتارهای متفاوتی دارند، عوامل متعددی نظیر سرعت تحولات و بسط ارتباطات با جهان توسعه یافته، توجه بیشتر جوانان به برنامه های جهانی شدن فرهنگ، رسانه ها، گسترش روزافزون انجمن ها و کانون هایی غیر از کانون خانواده برای پیوستن و تعلق یافتن جوانان به آنها و غیره بر این پدیده تأثیر گذارند و این شکاف را روز به روز بیشتر می کنند<sup>۲</sup>.

به طور خلاصه، پیامدها و اثرات منفی شبکه های اجتماعی مجازی بر فرد و خانواده عبارت اند از:

- ۱- شکل گیری و ترویج سریع شایعات و اخبار کذب؛
- ۲- تبلیغات ضد دینی و القای شبهات در عقاید افراد؛
- ۳- نقض حریم خصوصی افراد؛
- ۴- انزوا و دور ماندن از محیط های واقعی اجتماع؛
- ۵- تأثیرات منفی رفتاری که فرد با عضویت در هر شبکه اجتماعی درگیر نوع خاصی از فرهنگ ارتباطاتی می شود نظیر برخورد، تکیه کلام، اصطلاحات مخصوص، رفتار، تیپ شخصیتی و ظاهری و ...؛
- ۶- مصنوعی شدن ارتباطات و از بین رفتن روابط صحیح اجتماعی؛
- ۷- تضعیف نهاد خانواده و صله ارحام؛
- ۸- بی هویتی، بحران هویت و اختلال شخصیت در بین نوجوانان و جوانان؛
- ۹- جرئت و جسارت ارتکاب جرم به سبب ناشناخته بودن در محیط سایبری؛
- ۱۰- اعتیاد رفتاری به اینترنت، چت و شبکه های اجتماعی که نتیجه آن افسردگی، اضطراب، بی خوابی، کاهش روابط اجتماعی با اطرافیان، انزوا، مختل شدن فعالیت های روزمره، رها کردن شغل (بیکاری) و ...، است؛
- ۱۱- فریب و بهره کشی جنسی؛
- ۱۲- تلف شدن وقت جوانان و فاصله گرفتن آنها از واقعیت؛
- ۱۳- سوءاستفاده از پروفایل ها و سایت های دوست یابی؛

۱. محمد رحیمی، ۱۳۹۰، «عوامل اجتماعی موثر بر شکاف نسلی، مطالعه موردی شهر خلخال»، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.  
 ۲. محمد رحیمی، ۱۳۹۰، «عوامل اجتماعی موثر بر شکاف نسلی، مطالعه موردی شهر خلخال»، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

۱۴- آسیب های سوءاستفاده از اطلاعات داخل رایانه های خصوصی مردم؛

۱۵- دوستی های بدون مرز و ضابطه؛

۱۶- قرار دادن فایل های مبتذل در دسترس عموم کاربران؛

۱۷- انتقال هنجارها و نرم های ارزشی و اخلاقی غربی؛

۱۸- وابستگی شدید روانی و فکری به اینترنت و شبکه های اجتماعی؛

۱۹- آسیب های جسمانی از قبیل فشارهای عصبی، چاقی، انزوا، چشم درد و ...؛

۲۰- گسست فکری و عاطفی که با ورود اینترنت و شبکه های اجتماعی به درون خانواده ها بین والدین و فرزندان جدایی فکری، عاطفی و فیزیکی رخ می دهد و پیشرفت خیره کننده فناوری تأثیرات محسوس و نامحسوس زیادی را بر زندگی خانواده ها به ویژه دختران و بانوان گذاشته است؛

۲۱- تهدید بنیان های خانواده و نارضایتی های خانوادگی، مانند افزایش سن ازدواج، تجرد جوانان، طلاق، فرار از منزل، فحشا، سردی روابط زن و شوهر و سایر مسائل و مشکلات خانوادگی ...؛

۲۲- گسترش ارتباطات نامتعارف بین نوجوانان و جوانان؛

۲۳- تعارض ارزش ها؛

۲۴- تغییر سبک زندگی و ذائقه جوانان؛

۲۵- شکل گیری خرده فرهنگ های مختلف؛

۲۶- تضعیف اعتقادات و گسترش شبهات فکری؛

۲۷- رواج سطحی نگری فکری؛

۲۸- انحرافات جنسی و اختلالات جنسی؛

۲۹- گسترش اباحه گری عملی؛

۳۰- گریز از واقعیت و ... (علی دژبانی)

### ۳. فصل سوم عوامل پیدایش آسیب های اجتماعی

عوامل به وجود آورنده انحراف و کجروی در جوامع مختلف یکسان نیست و مناطق از نظر نوع جرم، شدت و ضعف، تعداد، و نیز از نظر عوامل متفاوت اند. این تفاوت ها را می توان در شهرها، روستاها و حتی در مناطق مختلف و محله های یک شهر مشاهده کرد. در هر جامعه و محیطی سلسله عواملی همچون شرایط جغرافیایی، اقلیمی، وضعیت اجتماعی، اقتصادی،

موقعیت خانوادگی، تربیتی، شغلی و طرز فکر و نگرش خاصی حاکم است که هر یک از این ها در حسن رفتار و یا بد رفتاری افراد مؤثر است<sup>۱</sup>.

شهرنشینی لجام گسیخته، گسترش حاشیه نشینی و فقر، اتلاف منابع و انرژی را به دنبال دارد. حاشیه نشینی در شهرها، با جرم رابطه مستقیم دارد. تنوع و تجمل، اختلاف فاحش طبقات اجتماعی ساکن شهرهای بزرگ، تورّم و گرانی هزینه های زندگی، موجب می شود تا افراد غیر کارآمد که درآمدشان زندگی ایشان را کفاف نمی دهد، برای تأمین نیازهای خود، دست به هر کاری هرچند غیرقانونی بزنند. از دیگر عوامل محیطی جرم، می توان فقر، بیکاری، تورّم و شرایط بد اقتصادی نام برد که بر همه آحاد جامعه، اقشار، گروه ها و نهادها تأثیر گذاشته و آنان را تحت تأثیر قرار می دهد<sup>۲</sup>.

در پیدایش انحرافات اجتماعی و رفتارهای نابهنجار و آسیب زا عوامل متعددی به عنوان عوامل پیدایش و زمینه ساز می تواند مؤثر باشد:

عوامل فردی: جنس، سن، وضعیت ظاهری و قیافه، ضعف و قدرت، بیماری، عامل ژنتیک و....

عوامل روانی: حساسیت، نفرت، ترس و وحشت، اضطراب، کم هوشی، خیال پردازی، قدرت طلبی، کم رویی، پر خاشگری، حسادت، بیماری های روانی و...

عوامل محیطی: اوضاع و شرایط اقلیمی، شهر و روستا، کوچه و خیابان، گرما و سرما و....

عوامل اجتماعی: خانواده، طلاق، فقر، فرهنگ، اقتصاد، بی کاری، شغل، رسانه ها، مهاجرت، جمعیت و... ..

از آنجاکه ممکن است در پیدایش هر رفتاری، عوامل فوق و یا حتی عوامل دیگری نیز مؤثر باشد، از این رو، نمی توان به یک باره فرد بزه کار را به عنوان علت العلل در جامعه مقصر شناخت و سایر عوامل را نادیده گرفت.

اگر فرد، هرچند برای سرگرمی و تنوع و تفرّج دست به بزه کاری بزند، این کار وی کم کم زمینه ای خواهد بود تا به سمت وسوی بزه کاری سوق یابد. دلیل عمده این کار، چگونگی شروع به انجام عمل بزه کارانه و کشیده شدن فرد به این راه است. افراد بزه کار افرادی هستند که همه زمینه ها و شرایط لازم برای انحراف در آنان وجود دارد. مهم ترین عامل در انحراف افراد و ارتکاب عمل نابهنجار، فردی است که موجب سوق یافتن وی به سمت بزه کاری می شود؛ چراکه فردی که می خواهد اولین بار دست به بزه کاری بزند، نیازمند فردی است که او را راهنمایی کرده و به این سمت هدایت نماید.

دومین عامل، امکانات و شرایطی است که فرد در اختیار دارد و زمینه ارتکاب وی را برای اعمال خلاف اجتماع فراهم می آورد.

فقر در خانواده، عدم تأمین نیازهای اساسی خانواده، دوستان ناباب، محیط آلوده و... نیز از عوامل روی آوری فرد به بزه کاری است.

۱. مجلات معرفت، شماره ۹۱، محمد فولادی.

۲. هدایت الله ستوده، آسیب شناسی اجتماعی، تهران: نشر آوای نور، ۱۳۷۹، صص ۷۵، ۸۰.

درعین حال، به طور مشخص می توان عوامل عمده زیر را به عنوان بسترها و زمینه های پیدایش انحرافات اجتماعی و یا هر رفتار نابهنجار نام برد؛ عواملی که نقش بسیار تعیین کننده ای در پیدایی هر رفتاری، اعم از بهنجار و یا نابهنجار، ایفا می کنند. درعین حال، مهم ترین عامل یعنی خود فرد نیز نقشی تعیین کننده ای در این زمینه بازی می کنند.

اجمالاً، علل و عوامل پیدایش آسیب های اجتماعی، به ویژه در میان نوجوانان و جوانان را می توان به سه دسته عمده تقسیم نمود: ۱. عوامل معطوف به شخصیت؛ ۲. عوامل فردی؛ ۳. عوامل اجتماعی.

### ۱,۳. الف. عوامل شخصیتی

این دسته از عوامل معطوف به عدم تعادل روانی، شخصیتی و اختلال در سلوک و رفتار است که به برخی از آن ها اشاره می شود:

#### ۱,۳. ویژگی های شخصیتی افراد بزهکار و کجرو

معمولاً ویژگی های شخصیتی افراد بزهکار، بی قاعدگی رابطه و ارتباط میان فرد و جامعه و ارتکاب رفتارهای نابهنجار و خلاف مقررات اجتماعی است، ولی معمولاً از نظر مرتکب و عامل آن در اصل و یا در مواقعی خاص، این گونه رفتارها ناپسند شمرده نمی شود. افراد روان رنجور و روان پریش نسبت به ارزش ها، هنجارها و مقررات اجتماعی بی تفاوت بوده و کمتر آن ها را رعایت می کنند. اعمال و شیوه های رفتاری این گونه افراد نظام اجتماعی را متزلزل و گاهی نیز مختل می کند و موجب می شود که رعایت ارزش های اخلاقی و هنجارها در جامعه و نزد سایر افراد زیر سؤال رفته و آن را به پایین ترین سطح عمل تنزل دهد.

برخی از مشخصه های بارز و برجسته شخصیتی این گونه افراد، خودمحوری، پرخاشگری، هنجارشکنی، فریبندگی ظاهری و عدم احساس مسئولیت می باشد. این گونه افراد به پیامد عمل خود نمی اندیشند، در کارهای خود بی پروا و بی ملاحظه هستند و در پند گرفتن از تجربیات، بسیار ضعیف بوده و در قضاوت های خود یک سویه می باشند. این نوع شخصیت ها عمدتاً از محیط اجتماع، خانه و مدرسه فرار کرده، پای بند قواعد، مقررات و هنجارهای اجتماعی نیستند و به دنبال هر چیزی می روند که جلب توجه کند. حتی در پوشش و سبک و شکل ظاهری خویش، به ویژه در شیوه لباس پوشیدن، آرایش مو و صورت به گونه ای که خلاف قاعده و خلاف سبک مرسوم سایر افراد اجتماع باشد، عمل می کنند تا جلب توجه نمایند.

گروهی از افراد بزهکار و کجرو نیز ویژگی های شخصیتی دیگری دارند؛ خودمحور و پیوسته به تمجید و توجه دیگران نیازمندند و در روابط خود با مردم به نیازها و احساسات آنان توجه نمی کنند. این افراد اغلب با رؤیاهایی در مورد موفقیت نامحدود و درخشان، قدرت، زیبایی و روابط عاشقانه آرمانی سرگرم اند. اغلب این افراد والدینی داشته اند که از نظر عاطفی نسبت به آنان بی توجه اند یا سرد و طرد کننده بوده و یا بیش از حد به آنان محبت کرده و ارج می نهند.

آنان به علت سرکوب خواسته ها و فقدان ارضای تمایلات درونی، از کانون خانواده بیزار شده و به رفتارهای نابهنجار نظیر فرار از خانه، ترک تحصیل، سرقت و اعتیاد گرایش پیدا می کنند.

گروهی نیز افرادی برون گرا و به دنبال لذت جویی آنی هستند، دم را غنیمت می شمارند، دوست دارد در انواع میهمانی ها و جشن ها شرکت کنند، تشنه هیجان و ماجراجویی اند، به همین دلیل برای لذت جویی دست به اعمال خلاف و بزهکارانه می زنند.

سرانجام گروهی از افراد بزهکار نیز مشخصه بارزشان، پرجوش و خروشی و بیان اغراق آمیز، هیجانی، روابط طوفانی بین فردی، نگرش خودمدارانه و تأثیرپذیری از دیگران است. این گونه شخصیت ها برای آنکه «خود»ی نشان دهند، هر تجربه ای را حتی اگر برای آنان گران تمام شود، انجام می دهند. هیجان طلبی، ماجراجویی، تنوع طلبی، کنجکاوی، استقلال طلبی افراطی، خودباختگی احساسی و غلبه کنش های احساسی بر کنش های عقلانی از جمله مشکلات رفتاری است که فرد را به سوی موقعیت های خطرناک و ارتکاب اعمال بزهکارانه رهنمون می کند.

از دیگر مشکلات روحی روانی که منجر به رفتارهای ضد اجتماعی می شود، می توان به ضعف عزت نفس، احساس کهنتری، فقدان اعتماد به نفس، احساس عدم جذابیت، افسردگی شدید، شیدایی و اختلال خلقی اشاره نمود. چنین افرادی معمولاً مستعد انجام رفتارهای نسنجیده و انحرافی هستند.

### ۲,۳. ب. عوامل فردی

در حوزه عوامل فردی، می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. خوش گذرانی و لذت طلبی؛

۲. قدرت، استقلال و عافیت طلبی؛

۳. زیاده خواهی؛

۴. بی بندوباری و لاپالایی گری؛

۵. بی هویتی و بی هدفی در زندگی.

۶. آرزوهای بلند؛

افراد گاهی اوقات برای رسیدن به آمال و آرزوهای بلند و دست نیافتنی و مدینه فاضله ای که رسانه های ملی و یا ماهواره ها تبلیغ می کنند، مرتکب جرائم می شوند. گاهی اوقات هم ارتکاب جرائم را فقط یک کار تفریحی و به عنوان گذران اوقات فراغت می دانند با اینکه ممکن است در خانه و محیط اطراف خود مشکل حادی هم نداشته باشند که آنان را مجبور به ارتکاب رفتار ناپهنجار نماید، ولی فقط به خاطر اینکه در چند روز زندگی خوش باشند، دست به ارتکاب اعمال خلاف عرف و اجتماع می زنند.

گاهی نیز افراد از نعمت خانواده و والدین عاطفی برخوردارند، اما به خاطر شکست در تحصیلات و ناتوانی در ادامه تحصیل، تحقیر معلمان و فشارهای بی مورد والدین مجبور می شوند خود را به گونه ای دیگر نشان دهند و به اصطلاح

«خودی» نشان دهند. و این حکایت از میل به استقلال طلبی، قدرت طلبی و یا عافیت طلبی در نوجوانان و جوانان دارد که به دلیل عدم ارضای صحیح آن دست به ارتکاب اعمال ناشایست می زنند<sup>۱</sup>.

عده ای از نوجوانان نیز به دلیل روحیه تنوع طلبی و زیاده خواهی و عدم تربیت صحیح و عدم هدایت درست این غریزه طبیعی، دست به اعمال خلاف می زنند.

گاهی هم عده ای ممکن است دارای زندگی مرفهی باشند و هیچ گونه کمبود مالی و عاطفی نداشته باشند، ولی به دلیل این که روحیه فاسدی دارند و به اصطلاح بی بند و بار و بی هویت اند و یا هدفی در زندگی ندارند، میل به بزهکاری پیدا می کنند.

### ۳،۳. ج. عوامل اجتماعی

در بررسی آسیب ها و انحرافات اجتماعی، به عنوان یک پدیده اجتماعی، به علل اجتماعی انحرافات می پردازیم. به هر حال، عوامل متعددی در این زمینه نقش دارند که در اینجا به برخی از آنها اشاره می گردد:

#### ۱،۳،۳. عدم پای بندی خانواده ها به آموزه های دینی

مطالعات و تحقیقات نشان می دهد تا زمانی که اعضای جامعه پای بند به اعتقادات مذهبی خود باشند، خود و فرزندانشان به فساد و بزهکاری روی نمی آورند. در پژوهشی که توسط مرکز ملی تحقیقات اجتماعی کشور مصر در سال ۱۹۵۹ صورت گرفته است، ۷۲ درصد نوجوانان بزهکار، که به دلیل سرقت و دزدی توقیف و یا زندانی شده بودند، نماز نمی گزارند و ۵۳ درصد آنان در ماه رمضان روزه نمی گرفتند<sup>۲</sup>. به هر حال، این اندیشه که کاهش ایمان مذهبی یکی از علل عمده افزایش نرخ جرم در جوامع پیشرفته و غربی است، نظری عمومی است. تحقیقات صورت گرفته در کشور نیز مؤید همین نظریه است.

بنابراین، افزایش انحرافات اجتماعی می تواند ناشی از عدم پای بندی خانواده ها به آموزه های دینی باشد.

#### ۲،۳،۳. آشفتگی کانون خانواده

از دیگر مؤلفه های مهم در سوق یافتن نوجوانان و جوانان به سمت وسوی بزهکاری و انحرافات اجتماعی، گسسته شدن پیوندهای عاطفی و روحی میان اعضای خانواده است. هرچند در بسیاری از خانواده ها، پدر و مادر دارای حضور فیزیکی هستند، اما متأسفانه حضور وجودی و معنوی آنان برای فرزندان محسوس نیست. در چنین وضعیتی، فرزندان به حال خود رها شده، ارتباط آنان با افراد مختلف بدون هیچ نظارت، ضابطه و قانون خاصی در خانواده صورت می گیرد. روشن است که چنین وضعیتی زمینه را برای خلأ عاطفی فرزندان فراهم می کند.

در برخی از خانواده ها پدر، مادر و یا هر دو، بنا به دلایلی همچون طلاق و جدایی، مرگ والدین و... نه حضور فیزیکی دارند و نه حضور معنوی. در این گونه خانواده ها که با معضل طلاق و جدایی مواجه هستند، فرزندان پناهگاه اصلی خود را از

۱. مجله ایران جوان، ش ۱۴۹، ص ۴.

۲. محمدرضا طالبان، دینداری و بزهکاری، تهران، فجر اسلام، ۱۳۸۰، ص ۳۸.

دست داده، هیچ هدایت کننده‌ای در جریان زندگی نداشته، در پاره‌ای از موارد به دلیل نیافتن پناهگاه جدید، در دریای موج اجتماع، گرفتار ناملایمات می‌شوند.<sup>۱</sup>

علاوه بر طلاق، مرگ پدر و یا مادر نیز بسان آواری سهمگین بر کانون و پیکره خانواده سایه افکنده، و در برخی موارد به دلیل بی‌توجهی یا کم توجهی به فرزندان و جایگزین شدن عنصر نامناسب به جای فرد از دست رفته، ضعیف شدن فرایند نظارتی خانواده، افزایش بیمارگونه بحران‌های روحی و روانی فرزندان و... موجب روی آوری فرد به ناهنجاری‌ها و انحرافات اجتماعی می‌شود.

بر اساس نتایج یک پژوهش، ۴۷ نفر از جامعه آماری به نحوی از انحا از جمله عوامل کلیدی و مهم بزهکاری خویش را والدین، خانواده، بی‌توجهی، بی‌مواالاتی و عدم نظارت آنان دانسته‌اند؛ به عبارت دیگر، از نظر آنان والدین ایشان در بزهکاری شأن نقش داشته‌اند.<sup>۲</sup>

بر اساس نظریه «کنترل» دورکیم که معتقد است ناهمنوایی و هنجارشکنی و کج‌روی افراد ریشه در عدم کنترل صحیح و کارای آنان دارد، به طوری که هرچه میزان کنترل اجتماعی بیشتر باشد و نظارت‌های گوناگون از راه‌های رسمی و غیررسمی، بیرونی و درونی، مستقیم و غیرمستقیم توسط والدین و جامعه وجود داشته باشند و حساسیت مردم و مسئولان افزایش یابد، میزان هم‌نوایی مردم بیشتر خواهد بود، نیز بیانگر همین مسئله است که آشفتگی کانون خانواده یکی از عوامل مهم سوق یافتن فرزندان به سوی انحرافات اجتماعی است.

همچنین با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه، سارقان عمده عوامل سارق شدن خویش را «بدرفتاری، بداخلاقی، بی‌تفاوتی، بدزبانی و عدم برآورده شدن انتظارات از سوی همسر، خانواده و والدین» دانسته‌اند.<sup>۳</sup>

در یک پژوهش، حدود ۶۸ درصد سارقان معتقدند که والدینشان در گرایش آنان به سرقت نقش داشته‌اند.

با توجه به همین پژوهش، عدم رضایت از رفتار والدین، تربیت ناصحیح، عدم کنترل و نظارت بر فرزندان، مشکلات عاطفی ناشی از فوت یکی از والدین، بی‌تفاوتی والدین، بی‌سوادی آنان و... جملگی حکایت از عدم امکان و یا عدم کنترل و نظارت فرزندان توسط والدین داشته و از آن رو که ارتباط صمیمانه والدین با فرزندان در این پژوهش به میزان قابل توجهی کم بوده و والدین نسبت به فرزندان خویش بی‌توجه بوده‌اند، این گونه رفتارها موجب سرخوردگی فرزندان شده، زمینه‌ساز بروز مشکلات رفتاری برای آنان شده است. روی آوری به سرقت یکی از راه‌های برون‌رفت از نظر جوانان در این پژوهش تلقی شده است.<sup>۴</sup>

### ۳,۳,۳ طرد اجتماعی

چگونگی برخورد دوستان، افراد فامیل و همسایگان با فرد بزهکار، در نوع نگاه متقابل وی با دیگران تأثیر بسزایی دارد. در مجموع، اگر این برخوردها قهر آمیز و به صورت طرد فرد از محیط اجتماعی باشد، جدایی وی از جامعه سرعت بیشتری

<sup>۱</sup> مجله زن روز، ش ۱۷۷۳، ص ۱۴.

<sup>۲</sup> علی اصغر قربان حسینی، جرم شناسی و جرم یابی سرقت، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۱، ص ۳۱.

<sup>۳</sup> همان.

<sup>۴</sup> محمد فولادی، بررسی میزان و عوامل اقتصادی اجتماعی مرتبط با سرقت در میان جوانان شهر قم، قم، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۷.

می‌یابد. این نوع برخورد، همواره به عنوان هزینه ارتکاب هر جرمی مدنظر است. علاوه بر این، افرادی که دارای منزلت و پایگاه اجتماعی پایینی هستند و یا از نقص عضو، بیماری جسمی، روحی، و مشاغل پایین خود یا والدینشان رنج می‌برند، نیز از سوی افراد جامعه مورد بی‌مهری قرار گرفته و ناخواسته طرد می‌شوند. این‌گونه افراد برای جبران این نوع کمبودها، و شاید هم برای رهایی از این‌گونه بی‌مهری‌ها و معضلات، دست به ارتکاب جرائم و انواع انحرافات اجتماعی می‌زنند.<sup>۱</sup>

### ۴,۳,۳ نوع شغل

از دیگر متغیرهایی که در مطالعات و تحقیقات صورت گرفته در زمینه ارتکاب بزهکاری و انحرافات اجتماعی نقش بسزایی دارد، و مورد تأکید قرار گرفته است، ارتباط نوع شغل افراد با انحراف و بزهکاری است. همواره رابطه‌ای بین وضع فعالیت و شغل فرد با نوع رفتارهای وی وجود دارد. گرچه بین بی‌کاری و سابقه جرم و زندانی و دفعات ارتکاب جرم، رابطه معناداری مشاهده می‌شود، ولی این امر بدین معنا نیست که لزوماً بیکاری علت تکرار جرم باشد؛ زیرا ممکن است این رابطه به صورت معکوس باشد؛ یعنی کسانی که بیشتر مرتکب جرم می‌شوند، بیشتر شغل خود را از دست داده و بیکار می‌شوند. در یک مطالعه، ۷۹ نفر، که بر اثر زندان شغل خود را از دست داده بودند، دارای دلایل متفاوتی بودند. از جمله، بی‌اعتماد شدن مدیریت، (۳۸ نفر)، مقررات مربوط به کارکنان دولت (۱۹ نفر)، غیبت طولانی از محیط کار (۱۲ نفر) و از دست دادن سرمایه (۱۰ نفر)<sup>۲</sup>.

از جمله نکات مهم در نوع شغل، حساس بودن و اهمیت شغل است. هر چه شغل فرد مهم‌تر و از حساسیت بیشتری برخوردار باشد، هزینه ارتکاب جرم نیز افزایش می‌یابد. این مهم در خصوص مشاغل دولتی حائز اهمیت است. درحالی‌که، بیشتر مشاغل مستقل چنین حساسیتی ندارند و مجازات زندان موجب از دست دادن شغل مذکور نمی‌شود. بر اساس نتایج یک تحقیق، با افزایش مدت زندان و حبس، دفعات از دست دادن شغل افراد نیز افزایش می‌یابد.

علاوه بر این، مشاغل دارای اعتبار و منزلت اجتماعی پایین و کم‌درآمد نیز موجب می‌شود که فرد صاحب چنین شغلی برای جبران هزینه‌های زندگی و افزایش اعتبار و یا منزلت خویش به شغل‌های دوم و سوم روی آورده، و ناخواسته از خانه، کاشانه، زن و فرزندان و تربیت آنان غافل شده، موجبات گسست، تلاشی خانواده و انحرافات آنان را فراهم آورد. در یک پژوهش از میان سارقان، بالاترین تراکم مشاغل افراد سارق، مربوط به مشاغل کارگری، رانندگی و دامداری بوده است. عموماً مشاغل افراد سارق، از نوع مشاغل سطح متوسط به پایین جامعه است. این نوع مشاغل عموماً پرزحمت و کم‌درآمد می‌باشد.<sup>۳</sup>

### ۵,۳,۳ بی‌کاری و عدم اشتغال

از دیدگاه جامعه‌شناسان و روان‌شناسان بی‌کاری یکی از ریشه‌های مهم بزهکاری و کج‌روی افراد یک جامعه است. بی‌کاری موجب می‌شود که افراد بیکار جذب قهوه‌خانه‌ها و مراکز تجمع افراد بزهکار شده، به تدریج، به دامان انواع کج‌روی‌های اجتماعی کشیده شوند.

۱. عباس عیدی، آسیب‌شناسی اجتماعی، قم، سپهر، ۱۳۷۱، ص ۴۵۵.

۲. همان.

۳. محمد فولادی، بررسی میزان و عوامل اقتصادی اجتماعی مرتبط با سرقت در میان جوانان شهر قم، قم، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۴.



علاوه بر این، چون بی کاری زمینه ساز بسیاری از انحرافات اجتماعی است، افراد با زمینه قبلی و برای کسب درآمد بیشتر دست به سرقت می زنند؛ چراکه فرد به دلیل نداشتن شغل و درآمد ثابت برای تأمین مخارج زندگی مجبور است به هر طریق ممکن زندگی خود را تأمین نماید. از نظر چنین فردی، بزهکاری به ظاهر معقول ترین و بهترین این راههاست. حاصل تحقیقات صورت گرفته نیز حکایت از تأثیر قاطع بی کاری و فقر برافزایش بزهکاری دارد.<sup>۱</sup>

### ۶,۳,۳. فقر و مشکلات معیشتی

در میان علل و عوامل پیدایش بزهکاری و ارتکاب انحرافات اجتماعی، عامل فقر و مشکلات معیشتی و اقتصادی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. عدم بضاعت مالی مکفی خانواده ها و ناتوانی در پاسخگویی به نیازهای طبیعی و ضروری مانند فراهم ساختن امکان ادامه تحصیل حتی در مقطع متوسطه، تأمین پوشاک مناسب، متنوع و متناسب با سلیقه و روحیه آنان و... زمینه ساز بروز دل زدگی، سرخوردگی، ناراحتی های روحی، دل مشغولی، افسردگی و انزوایی را در فرزندان فراهم می سازد.

این امر موجب می شود تا این افراد برای التیام ناراحتی های ناشی از مشکلات خود از طریق مستقیم و یا غیرمستقیم، به اقداماتی دست بزنند و خود درصدد حل مشکل خویش برآیند. در نتیجه، بسیاری از این افراد برای رهایی از بند گرفتاری ها، دست به ارتکاب اعمال ناشایست می زنند.

از سوی دیگر، امروزه فشارها و مشکلات اقتصادی، احتمال دو شغل بودن یا اشتغال نان آوران خانواده در مشاغل کاذب یا غیرمجاز را افزایش داده است. همین مسئله منجر به کم توجهی آنان نسبت به نیازهای جوانان، رفع مشکلات روحی و روانی و تربیت صحیح و شایسته آنها گردیده است. در این زمینه، انعکاس شرایط افسانه ای برخی زندگی ها و نمایش فاصله های طبقاتی توسط رسانه ها نقش مؤثری در ازدیاد این مشکل دارند.<sup>۲</sup>

در یک پژوهش صورت گرفته در استان قم در ارتباط با علل و عوامل سرقت در میان جوانان قمی، سارقان مورد مطالعه چنین پاسخ داده اند.<sup>۳</sup>

«اگر شغل مناسبی داشتم»؛ «اگر از نظر مالی بی نیاز بودم» و «اگر مسکن مناسبی داشتم» دست به سرقت نمی زدم.

از سوی دیگر، بر اساس یافته های همین پژوهش، حدود ۴۷ درصد افراد یا بی کارند و یا فاقد درآمد و حدود ۶۹ درصد افراد سارق و خانواده های ایشان در این پژوهش، زیر خط فقر قرار دارند! در حالی که، به گزارش بانک جهانی میانگین شهروندان ایرانی که زیر خط فقر زندگی می کنند از ۴۷ درصد در سال (۱۹۷۸) ۱۳۵۷ به ۱۶ درصد در سال ۱۳۷۸ (۱۹۹۹) کاهش یافته است.<sup>۴</sup>

علاوه بر این، پژوهش های نظری نیز مؤید این دیدگاه است که فقر زمینه ساز بسیاری از معضلات اجتماعی است. برای نمونه، از نظر مرتون هنگامی که افراد نتوانند وسایل لازم را برای رسیدن به هدف های موردنظر در اختیار داشته باشند (و یا

۱. علی حسین نجفی ابرندآبادی، «بزهکاری و شرایط اقتصادی»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۹، سال ۱۳۷۰.

۲. مجله کتاب زنان، ش ۱۵، ص ۶۷.

۳. محمد فولادی، پیشین، ص ۱۷۴.

۴. هفته نامه خبری علمی برنامه، ش ۳۵، ۱۳۸۲/۷/۵، ص ۴.

جامعه در اختیار ایشان قرار ندهد)، و هدف اصلی فراموش شود، افراد اهداف و آرمان های موردنظر جامعه را نمی توانند با پیروی از راه های مجاز و نهادی شده تعقیب کنند، از این رو، دزدی، فریب کاری، فساد، رشوه، و ارتکاب انواع جرائم در جامعه افزایش می یابد<sup>۱</sup>.

### ۷,۳,۳. دوستان ناباب

گروه همسالان و دوستان الگوهای موردقبول یک فرد در شیوه گفتار، کردار، رفتار و منش هستند. فرد برای اینکه مقبول جمع دوستان و همسالان افتد و با آنان ارتباط و معاشرت داشته باشد، ناگزیر از پذیرش هنجارها و ارزش های آنان است. در غیر این صورت، از آن جمع طرد می شود. از این رو، به شدت متأثر از آن گروه می گردد، تا حدی که اگر بنا باشد در رفتار فرد تغییری ایجاد شود یا باید هنجارها و ارزش های آن جمع را تغییر داد یا ارتباط فرد را با آن گروه قطع کرد. تأثیر گروه همسالان، همفکران، همکاران و دوستان در رشد شخصیت افراد کمتر از تأثیر خانواده نیست؛ چراکه فرد پس از خانواده، منحصراً زیر نفوذ گروه قرار می گیرد. بدین روی، اگر فردی با گروهی از معتادان رابطه برقرار کند و با آنان دوست شود، به تدریج تحت تأثیر رفتار آنان قرار می گیرد و معتاد می شود؛ چون از سویی، ملاک پذیرش و قبول فرد توسط یک گروه و جمع، پذیرفتن فرهنگ آن هاست و از سوی دیگر، معتادان هم علاقه مندند که مواد مخدر را به طور دسته جمعی استعمال کنند که هم در موقع استعمال مصاحبی داشته باشند و هم از شدت فشار سرزنش اجتماع بر خود بکاهند. از این رو، معتادان علاقه مندند که دوستان و همسالان خود را به جرگه اعتیادشان بکشاند. در این صورت، اگر نوجوانی از تعلیم و تربیت مقدماتی و صحیح خانوادگی محروم باشد و خانواده اش او را از مضرات اعتیاد مطلع نکرده باشند و در محیط اعتیاد زندگی کند و با دوستان معتاد نیز سروکار داشته باشد، احتمال اینکه معتاد شود زیاد است. همین فرایند تأثیر گروه بر فرد در سایر انواع بزهکاری به غیر از اعتیاد نیز صادق است.

ساتر لند در نظریه «انتقال فرهنگی کج روی» خود بر این نکته مهم تأکید می کند که رفتار انحرافی همانند سایر رفتارهای اجتماعی، از طریق معاشرت با دیگران یعنی منحرفان و دوستان ناباب آموخته می شود و همان گونه که هم نوایان از طریق همین ارتباط با افراد سازگار، هنجارها و ارزش های فرهنگی آن گروه و جامعه را پذیرفته، خود را با آن انطباق می دهند، افراد در ارتباط با دوستان ناباب و هنجارشکن، به سمت وسوی ناهم نوایی سوق داده می شوند.

این نظریه تأکید می کند که فرد منحرف تنها با هنجارشکنان، و فرد هم نوا تنها با افراد سازگار ارتباط ندارد، بلکه هر انسانی با هر دو دسته این افراد سروکار دارد. اما اینکه کدام یک از آن دو گروه، فرهنگ خود را منتقل می کنند و تأثیر می گذارند، معتقد است که به عوامل دیگری نیز بستگی دارد که این عوامل عبارت اند از:

۱. شدت تماس با دیگران: احتمال انحراف فرد در اثر تماس با دوستان یا اعضای خانواده منحرف خود، به مراتب بیشتر است تا در اثر تماس با آشنایان یا همکاران منحرف خود؛

۲. سن زمان تماس: تأثیرپذیری فرد از دیگران در سنین کودکی و جوانی بیش از زمان های دیگر و سایر مقاطع سنی است؛

۱. آنتونی گیدنز، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۷۳، ص ۱۴۰.

۳. میزان تماس با منحرفان در مقایسه با تماس با هم‌نوایان: هرچه ارتباط و معاشرت با کج رفتاران نسبت به هم‌نوایان بیشتر باشد، به همان میزان احتمال انحراف فرد بیشتر خواهد بود.

علاوه بر این، پژوهش‌های میدانی نیز مؤید همین سخن است. در یک پژوهش، ۵۰ درصد بزهکاران و سارقان اظهار کرده‌اند که دوستان ایشان توسط پلیس دستگیر شده‌اند و نیز حدود ۴۷ درصد از آنان، تیپ دوستانشان نوعاً افراد خلاف‌کار بوده‌اند! ۸۷/۵ درصد از آنان نیز اظهار کرده‌اند که دوستان ناباب نقش زیادی در سارق شدن افراد دارند. و ۵۳ درصد از همین افراد اظهار کرده‌اند که به خاطر جلب توجه دوستانشان دست به سرقت زده‌اند.

در این خصوص سخنان رهبران دینی نیز شنیدنی است. در سخنان پیامبر گرامی صلی‌الله علیه و آله آمده است: «المِرءُ علی دین اخیه»؛ هر انسانی بر شیوه و طریقه دوست و رفیق خود زندگی می‌کند.

از این‌رو، رهبران دینی ما را از ارتباط و معاشرت با افراد منحرف و بزهکار و دوستان ناباب بازمی‌دارند. حضرت علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «مُجَالَسَةُ أَهْلِ الْهَوَىٰ مَنْسَأٌ لِلْإِيمَانِ وَ مُحَضَّرَةٌ لِلشَّيْطَانِ.»<sup>۲</sup> هم‌نشینی با هواپرستان ایمان را به دست فراموشی می‌سپارد و شیطان را حاضر می‌کند.

همچنین امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «لَا تَصْحَبُوا أَهْلَ الْبَدْعِ وَ لَا تَجَالِسُوهُمْ فَتَصِيرُوا عِنْدَ النَّاسِ كَوَاحِدٍ مِنْهُمْ.»<sup>۳</sup> با افراد منحرف هم‌نشینی و معاشرت نداشته باشید؛ زیرا هم‌نشینی با آنان موجب می‌شود که مردم شما را یکی از آنان به شمار آورند.

### ۸،۳،۳. محیط

محیط نیز از جمله عوامل تأثیرگذار در پیدایش رفتارهای شایسته و یا ناشایست است. اگر در منزل و خانه، کوچه، خیابان و مدرسه، و محیط پیرامون زمینه و شرایط مساعدی برای بزهکاری وجود داشته باشد، فردی را که آمادگی انحراف در او وجود دارد، به سوی جرم و ارتکاب رفتار بزهکارانه سوق می‌دهد.

در پیدایش هر جرمی، با تحلیل دقیق، به این نتیجه می‌رسیم که محیط اجتماعی بستر کاملاً مناسبی برای فرد بزهکار فراهم آورده و عامل مهمی برای پیدایش رفتار مجرمانه توسط وی بوده است. اگر فساد و تباهی و بی بند و باری بر جامعه حاکم باشد، افراد مستعد در گرداب تباهی‌های آن اسیر می‌شوند و اگر نظام اجتماعی بر معیارها و الگوهای ارزشی استوار باشد و برنامه‌های هدف‌دار و مشخصی طرح‌ریزی گردد، امکان انحراف اجتماعی در جامعه و در میان افراد بسیار ضعیف خواهد بود. به گفته یکی از محققان، محیط در شکل‌گیری شخصیت و منش انسان نقش بسیار تعیین‌کننده و مؤثری ایفا می‌کند و رفتار انسان که نشانه‌ای از شخصیت و منش اوست، تا حد زیادی، ناشی از تربیت اکتسابی از محیط است.<sup>۴</sup> بنابراین، محیط آلوده، افراد را آلوده و محیط سالم و بانشاط، زمینه‌ساز رشد و شکوفایی و شادابی و نشاط افراد است.

۱. محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، کتاب «الایمان و الکفر مجالسه اهل المعاصی»، ذیل حدیث ۳.

۲. نهج‌البلاغه، ج ۸۶ ص ۱۱.

۳. محمدبن یعقوب کلینی، پیشین، حدیث ۳.

۴. المینگرت روتالوس، کودک و مدرسه، ترجمه شکوه نوایی نژاد، تهران، رشد، ۱۳۶۸، ص ۶۹.

### ۹,۳,۳ فقر فرهنگی و تربیت نادرست

از دیگر عواملی که موجب سوق یافتن جوانان به سوی انحرافات اجتماعی است، فقر فرهنگی و محدودیت ها و تبعیض های ناشی از فقر فرهنگی می باشد. از عوامل مهم پیدایش بزهکاری، سطح و طبقه اجتماعی و فرهنگی خانواده هاست. چنان که سطح تحصیلات (بی سواد و یا کم سواد اعضای خانواده)، سطح پایین و نازل منزلت اجتماعی خانواده، ناآگاهی اعضای خانواده به ویژه والدین از مسائل تربیتی، اخلاقی و آموزه های مذهبی، عدم هم نوایی خانواده با هنجارهای رسمی و حتی غیررسمی جامعه، هنجارشکنی اعضای خانواده و اشتها به این مسئله و مسائل دیگری از این دست مؤلفه هایی هستند که در قالب فقر فرهنگی خانواده در ایجاد شوک های روانی و روحی بر فرزندان نوجوان و جوان مؤثر است و انگیزه ارتکاب انواع جرائم آنان را دوچندان می کند.

تبعیض جنسیتی و یا تبعیض بین فرزندان نیز از جمله عوامل مهم فقر خانوادگی است. بسیاری از والدین آگاهانه یا ناآگاهانه با تبعیض بین فرزندان، موجب اختلاف بین آنان و دلسردی آنان از زندگی می شوند. تبعیض در برخورد با خطاها و اشتباهات فرزندان دختر و پسر و عدم اتخاذ رویه منطقی برای برخورد با خطاهای فرزندان و تنبیه تبعیض آمیز بر اساس برتری پسر بر دختر یا به عکس، موجب سلب اعتماد به نفس و بدبینی فرزندان نسبت به والدین می شود.

تبعیض در خانه باروحیه حساس و عزت نفس فرزندان منافات دارد و خسارات جبران ناپذیری را بر روح و روان آنان وارد می کند و با ایجاد بحران های روحی و سرخوردگی، آنان را به سوی عکس العمل های منفی نظیر سرقت، اعتیاد و فرار از خانه سوق می دهد<sup>۱</sup>

همان گونه که عدم توجه به نیازهای عاطفی فرزندان می تواند عامل بروز ناهنجاری های رفتاری در فرزندان شود، توجه بیش از حدی متعارف و در اختیار قرار دادن امکانات رفاهی زیاد هم می تواند زمینه بروز ناهنجاری های رفتاری در آنان شود.

در شیوه فرزند سالاری، اغلب تمایلات و خواسته های فرزندان محقق می شود، از این رو، به محض ایجاد مشکلات و بحران ها و فشارهای زندگی، که در آن امکان تحقق برخی از نیازها سلب می شود و یا در شرایطی که خواسته های فرزند به افراط می گراید و والدین با آن مخالفت می نمایند، فرزند به دلیل تربیت شدید عاطفی، روحیه عدم درک منطقی شرایط، ناپرووری و بی تحملی در برابر مخالفت والدین، عصیان و طغیان نموده و همین امر موجب دوری او از والدین و اعضای خانواده می گردد و سرانجام می تواند زمینه ارتکاب انواع جرائم را فراهم سازد<sup>۲</sup>.

### ۱۰,۳,۳ رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی

رسانه های دیداری، شنیداری و مکتوب می توانند از جمله مؤلفه های درخور توجه در ایجاد انگیزه روی آوری جوانان به سمت وسوی بزهکاری و رفتارهای انحرافی باشند. بررسی ها نشان داده اند در ظرف چند سال اخیر و در پی ورود برخی مطبوعات زرد (= مبتذل، عامه پسند و جنجالی) به عرصه رسانه های کشور و استفاده این نشریات از عناوین جنجالی و هیجانی و همچنین بهره گیری از شخصیت های سینمایی و هنری و درج اخبار بی محتوا و توأم با بزرگ نمایی، انعکاس بیش

۱. مجله کتاب زنان، ش ۱۵، ص ۶۵.

۲. همان.

از حدّ اخبار مربوط به بازیگران سینما و توجه مفرط به اخبار و حوادث، توجه تعداد قابل‌توجهی از نوجوانان و جوانان به مطالب مندرج در آن‌ها جلب شده است. این مسئله موجبات فراهم آوردن زمینه‌های آسیب‌های اجتماعی مختلف شده است.

از سوی دیگر، پخش شمار قابل‌توجهی از زنجیره‌های تلویزیونی، از طریق صداوسیما و یا شبکه‌های ماهواره‌ای خارجی، با مضامین زندگی‌های مجرد گونه غربی توأم با جذابیت، نشاط، رفاه، موفقیت و به‌طور کلی با تصویرسازی مثبت از این نوع زندگی‌های از هم گسیخته، نقش مؤثری در تقویت انگیزه گریز از قیدوبندهای خانوادگی و هنجارها، و ارتکاب جرائم اجتماعی ایفا کرده است.<sup>۱</sup>

نقش رسانه‌های جمعی، به ویژه ماهواره و اینترنت در رواج بی بند و باری اخلاقی، مقابله با هنجارهای اجتماعی، عدم پای بندی مذهبی و بلوغ زودرس نوجوانان در مسائل جنسی حائز اهمیت است.<sup>۲</sup>

## ۴. فصل چهارم راهکارهای بهبود آسیب‌های اجتماعی

### ۴.۱. بیانات رهبر انقلاب درباره آسیب‌های اجتماعی

هفته‌نامه خبری-تبیینی خط حزب‌الله متعلق به موسسه حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب در سی و سومین شماره خود در گزارشی ویژه در خصوص تأکید رهبر انقلاب اسلامی به مسئولین برای رفع آسیب‌های اجتماعی بخش‌هایی منتشر نشده از بیانات اخیر رهبر انقلاب خطاب مسئولان را منتشر کرد. پاراگراف‌های داخل متن نقل‌قول‌های مستقیم از رهبر معظم انقلاب است.

### تأکید رهبر انقلاب اسلامی به مسئولین برای کار فوق‌العاده، فوق‌العاده و مضاعف در حوزه رفع آسیب‌های اجتماعی/مردم عائله ما هستند

آسیب‌های اجتماعی مانند آسیب‌های طبیعی‌اند؛ مانند زلزله که می‌تواند بنای خانه‌ها را تخریب کند، این آسیب‌ها بنیان خانواده و اجتماع را برهم می‌ریزد. اگر به‌موقع و به‌هنگام شناخته شود و یا پیشگیری شود، احتمال کاهش خسارت‌ها افزایش خواهد یافت. اما اگر نسبت به آن غفلت شود؛ خدای نکرده ممکن است بنای جامعه را متزلزل کند. «درست است که ما در کشور در درجه‌ی اول مسئله اقتصاد را داریم و خود مشکلات اقتصادی هم [به عنوان] یکی از آن عوامل ریشه‌ای این مفاسد، موردتوجه ما است، لکن مسئله‌ی مفاسد اجتماعی با شرحی که در جلسه‌ی قبل داده شد، یکی از بیماری‌هایی است که هرروزی که بر آن بگذرد و علاج نشود، عمق بیشتری پیدا می‌کند و علاجش دشوارتر خواهد شد. لذا مسئله فوق‌العاده مهم است.

شاید از نگاه جامعه‌شناسانه، وجود آسیب‌های اجتماعی در هر اجتماع بشری امری طبیعی باشد، اما در شأن کشوری که آرمان «ساخت تمدن نوین اسلامی» دارد، به هر میزان، ولو اندک هم شایسته نیست. بنابراین گرچه در خصوص مقابله با آسیب‌های اجتماعی کارهایی شده است اما یقیناً کافی نیست. برای حل آن، باید کار شبانه‌روزی کرد. «توقعات بیشتر از

۱. مجله ایران دخت، ش ۱۷، ص ۱۳.

۲. مجله کتاب زنان، ش ۱۵، ص ۶۶.

این ها است... اهمیت کار را، بزرگی مسئولیت را، خطرات ناشی از آن را آدم توجه بکند، آن وقت می فهمد که چه قدر باید در این زمینه تلاش کرد و شب و روز شناخت.

ممکن است حتی در کوتاه مدت، نتایج این تلاش شبانه روزی مشخص نشود اما نفس تلاش مسئولین، برای مردم مایه ای آرامش و مرهم است. «یک اشکالی که در کارهای بلندمدت هست و آن اینکه غالباً مجریان علاقه ای به کارهایی که تأثیراتش بلندمدت است ندارند؛ طبیعت انسان است... چون مردم این آسیب ها را در زندگی لمس می کنند... وقتی می بینید یک دولتی است که دنبال علاج این آسیب ها است، نفس این تلاش مردم را خرسند می کند، راضی می کند، امیدوار می کند.

حال چگونه یک مسئول یا یک عنصر مؤمن و انقلابی می تواند این کار بلندمدت را شبانه روزی و با تمام وجود پی بگیرد و خسته نشود؟ وقتی که حس کند خود او، جزئی از آن خانواده است و مشکل مردم، مشکل اوست. «ما مردم را باید عائله ای خودمان بدانیم. ما مسئولین کشوریم دیگر... این ملت، این کشور، این مرزها، این فضای زندگی، عائله ما است. به مسئله ای آسیب های اجتماعی در سطح کشور جوری نگاه کنیم که اگر این آسیب در داخل خانواده ای خود ما بود، آن جور نگاه می کردیم. اگر بنده یک بچه ای معتاد داشته باشم چه حالی دارم؟ اگر کسی در خانه یک دختر فراری از خانه داشته باشد چه حالی دارد؟ تصورش را بکنید، اگر این دختر از خانه ای دیگری هم فرار کرد، ما باید همان احساس را به خودمان تلقین کنیم ولو طبیعتاً نداشته باشیم... ما باید به این قضیه در سطح جامعه حساس باشیم و به فکر علاج باشیم... ما درواقع اهتماممان به وضعیت مردم مثل اهتماممان به داخل خانواده ای خودمان باشد.

اما در مقابله با آسیب های اجتماعی نباید به کارهای معمولی و جاری دستگاه ها اکتفا شود و هرازگاهی برای رفع تکلیف گزارشی داده شود. تأکید رهبر انقلاب اسلامی در جلسات مختلف بر کار جهادی مستمر ویژه است. «انتظارم از مجموعه ای حاضر کارهای فوق العاده است؛ یک کارهایی هست که کارهای طبیعی دستگاه شما است و باید انجام بدهید، لابد هم انجام می دهید، بعد از این هم- این جلسه و امثال این جلسه باشد یا نباشد- انجام می دهید؛ این چیزی نیست که ما را قانع کند... یک کار فوق عادت انجام بگیرد، یک تلاش مضاعف انجام بگیرد.

همچنین در این موضوع مهم نیز مانند اقتصاد مقاومتی که همه ی دستگاه ها باید وسط میدان بیایند «همه ی دستگاه ها باید نقش آفرینی کنند؛ هم دستگاه های دولتی- منظوم قوه ی مجریه است- هم دستگاه های غیر قوه ی مجریه مثل مجلس، مثل قوه ی قضائیه، مثل نهادهای انقلابی. همه باید نقش آفرینی کنند، باید نقش خودشان را، سهم خودشان را مشخصاً پیدا کنند، بفهمند چه هست، و آن سهم را به بهترین وجهی، با شتاب متناسب انجام بدهند.

نقش دستگاه های تبلیغاتی نیز در این کار اهمیت زیادی دارد اما بعضاً تاکنون نقش آفرینی مؤثری نداشته اند «عدم توجه به فرض کنید سازمان تبلیغات یا دفتر تبلیغات نسبت به این قضیه موجب می شود که در این زمینه کار نکنند. خب ما این همه

امکانات داریم... باید دنبال کنند... مجموعه ی صداوسیما باید مطلع بشوند از آنچه واقعیت کار است تا بتوانند برنامه ریزی کنند، صداوسیما خیلی می تواند نقش ایفا کند.

اما در مقابل این عملیات جهادی و مقاوم سازی اجتماعی، نباید از عوامل مزاحم و ضد عملیات هم غفلت شود؛ مثلاً «وقتی که ما در جشنواره فجرمان فیلم هایی نشان داده می شود که اصلاً سوق می دهد مردم را به سمت این مفاسد اجتماعی، درواقع فرهنگ سازی ضد این جهت را داریم انجام می دهیم؛ باید مراقبت بشود، باید به این ها توجه بشود. و در آخر آنچه هم برای مسئولان، و هم برای مردم -به ویژه جوانان مؤمن و انقلابی- وظیفه ایجاد می کند، به میدان آوردن ظرفیت ها و نیروهای مردمی است؛ «نیروهای مردمی خیلی می توانند کمک کنند و کمک هم می کنند، منتها برنامه می خواهد که چه جوری از نیروهای مردمی استفاده کنیم. جذب دل های مردم و جذب کمک های مردم-چه کمک های مالی شان چه کمک های فکری و بازویی شان-خیلی هنر می خواهد و این برنامه ریزی لازم دارد»<sup>۱</sup>.

در این کار پراهمیتی که برای آن نباید شب روز و شناخت، نیز دست معجزه گر مردم که عنایت الهی را به دنبال دارد، راهگشا خواهد بود؛ این را تجربه ی انقلاب اسلامی ثابت کرده است؛ مهم این است که نیروی حزب اللهی این عرصه را نیز سنگری برای انقلابی گری و جهاد خود بداند، که «جهاد فقط شمشیر گرفتن و جنگ کردن در میدان قتال نیست؛ جهاد شامل جهاد فکری، جهاد عملی، جهاد تبیینی و تبلیغی، و جهاد مالی است»<sup>۲</sup>.

#### ۲.۴. اقدامات پیشگیرانه

در هر مسئله اجتماعی، پیشگیری بسیار مفید و مؤثرتر و کم هزینه تر از درمان می باشد و همواره این موضوع دغدغه ی دانشمندان علوم اجتماعی و سیاست گزاران دستگاه های قضایی و نهادهای اجتماعی بوده است. به نظر می رسد برای پیشگیری از ارتکاب اعمال مجرمانه و بزهکاری در جامعه و خصوصاً نوجوانان یا جوانان راه کارهای پیشنهادی ذیل ارائه می گردد.

۱. سازمان های آموزش و پرورش، بهزیستی، نیروی انتظامی، قوه قضائیه، سازمان زندان ها، شهرداری ها، شوراهای محلی و بومی، سازمان امور جوانان و... باید به منظور اجرای برنامه های عملی پیش گیرانه باهم به هماهنگی بیش ترو دقیق تر برسند.

۲. صداوسیما، رسانه های محلی و جمعی و سراسری می بایست با آگاهی دادن به خانواده ها، برای نظارت و کنترل بیشتر آنان بر فرزندان و گوشزد کردن میزان مجازات جرائم در صورت ارتکاب جرم توسط آنان، مقدمات پیشگیری را از نهاد خانواده، فرهنگ سازی نمایند. چه بسا خانواده هایی که با دانستن این موارد، فرزندان خود را از انحرافات بازداشته و کنترل بیش تری اعمال نمایند.

<sup>۱</sup> ۱۳۹۵/۰۲/۱۱.

<sup>۲</sup> ۱۳۹۵/۰۲/۲۹.

۳. نیروهای انتظامی در محل های جرم خیز با اتخاذ تدابیر امنیتی بیش تر و اقداماتی به منظور کمک به خانواده ها، به خصوص نوجوانان و جوانانی که در معرض آسیب قرار دارند ، می تواند اثر قابل توجهی بر کاهش جرائم ایفا نماید.

۴. یکی دیگر از موارد فراوان اطلاع رسانی شفاف رسانه های جمعی برای تشویق جوانان با اعلام تسهیلات و فرصت هایی که جامعه برای آنان قرار داده است می تواند زمینه های ارتکاب تخلف را در جوانان به میزان قابل ذکری کم نماید.

۵. نیروی پرتلاش پلیس در صورت تجهیز به ادوات لازم برای مقابله جدی با باندهای مخوف انواع گوناگون بزهکاری اجتماعی در جامعه از دیگر موارد مؤثر در حوزه کاهش آسیب های اجتماعی است.

۶. اقدامات امنیتی برای مراکز حساس تجاری، بانکی و ...

#### ● شناسایی مشکلات نوجوان و جوانان ( راهکارها و انتظارات )

از آنجا که، بیش ترین آسیب های ارتكابی با زمینه های بحران ساز از سوی نوجوانان و یا جوانان ایجاد می شود ، اهمیت ارائه ی راهکارهای احصاء شده ، برای این عده از ضروریات طرح مسئله است . علاوه بر اقدامات پیشگیرانه فوق الذکر، شناخت مشکلات نوجوانان و جوانان با رویکرد خواسته های این قشر، امری لازم و ضروری است.

در همین ارتباط نکاتی مورد طرح و بحث است که در ذیل به آن ها می پردازیم:

۱) (نیازهای روحی ، شخصیتی و روانی این دسته با تمرکز بر اثر و کیفیت ارضای این نیازها در شادابی و نشاط فرد از شاخصه های بسیار مؤثر این مسئله است . نرسیدن جوانان - خصوصاً - به خواسته های طبیعی ( غیرجنسی ) و ارضا نشدن این نیازها و یا ارضای ناقص آن ها ، دارای اثرات مخربی در ادامه ی زندگی آنان بوده موجب به انحراف کشیده شدن این عده می گردد.

۲) (در مطالعه ی شخصیت های جوان و نوجوان بزه کار ، چیزی که توجه را جلب می کند اینکه تعداد فراوانی از اینان دارای مشکلات بدنی و جسمی از قبیل کم توانی حرکتی ، نقص های گفتاری ، شنیداری و یا مواردی از این قبیل هستند که لزوم توجه به این نیازها از دیگر داده های حل این مسئله می باشد.

۳) (در گروه نوجوان و جوان ، کم تر فردی یافت می شود که با داشتن وضعیت تحصیلی مطلوب و موفق ، خود را به سوی تخلفات قانونی بکشاند و یا اگر ندرتاً چنین شود ، کاملاً تصادفی است . پس توجه به وضعیت آموزشی و تحصیلی این گروه ، نوعی بازدارندگی نوجوانان و جوانان از انحراف خواهد بود.

۴) (با تمرکز بر این اصل که در سن نوجوانی و جوانی ، احساسات بر عقل و اندیشه غلبه دارد لزوم توجه به مشکلات عاطفی اهمیت خود را نشان می دهد . مشکلاتی از قبیل خودکم بینی یا خود بزرگ بینی ، زودرنجی های عاطفی ، افسردگی ، خیال بافی ، خوش بینی یا بدبینی ، ترس و اضطراب ناشی از بیماری های روحی ، پر خاشگری یا ظلم پذیری و از این قبیل ، مواردی است که درای اهمیت اصلاح و توجه است.



۵ (توجه به مشکلات اخلاقی و رفتاری ناشی از تمایلات زود هنگام و فرهنگ سازی نشده ی جنسی ، مانند مکاتبه و تماس های چشمی یا تلفنی با دختران و به طور کلی جنس مخالف و یا معاشرت های غیر اخلاقی با جنس مخالف و موافق ، حضور در میهمانی های امروزی تحت عناوین متفاوت پارتی ، استمناء ، دیدن فیلم های سکسی و فرار ناشی از فشارهای مدیریت نشده ی خانه و مدرسه ، استعمال مشروبات الکلی و مواد مخدر و روان گردان و ... از دیگر نکات قابل توجه این موضوع است.

حال این پرسش مطرح است که برای برآوردن خواسته های این گروه ، به چه چیزهایی باید توجه کرد . مطالعه ی مفصل این موضوع نشان می دهد که نیازهای نوجوانان و جوانان در ۱۰ عنوان قابل احصاء و اعمال نظر کارشناسی است:

۱ (نیاز به وجود هویت فردی و خانوادگی و اجتماعی.

۲ (نیاز به آرامش و احترام.

۳ (نیاز به خانواده و تعلق به آن.

۴ (نیاز به محبت و عطوفت واقعی.

۵ (نیاز به احساس امنیت روحی - روانی و جسمی.

۶ (نیاز به تشویق و تقدیر و البته رهبری و نصیحت.

۷ (نیاز به مشخص بودن هدف و غایت خاص زندگی با روشنگری و آینده نگری.

۸ (نیاز به اعتقاد و ایمان ( اندیشه های دینی ، مذهبی ، عقیدتی و فلسفی).

۹ (نیاز به احساس استقلال با لحاظ محدودیت های عقلی و منطقی.

۱۰ (نیاز به احساس بلوغ و توانایی و کمال در بین اطرافیان و شکوفایی.

۱۱) (وظایفی که خانواده در پیشگیری از آسیب ها بر عهده دارد .

اولین نهادی که فرد در آن قرار می گیرد و بالطبع از آن اثر می پذیرد ، خانواده است و این خانواده اثرات اساسی در فرهنگ سازی و پیشگیری از انحرافات فرزند دارد . مؤلف در ذیل به وظایف خانواده ، با محوریت جلوگیری از آسیب اشاره می کند.

نیازهایی که در بالا برای گروه نوجوان و جوان بر شمرده شد در موضوع « وظایف خانواده » مورد توجه و بحث است . ایجاد محیط و بستر مناسب و سازگار در خانواده ؛ التزام و پایبند بودن عملی پدر و مادر و حتی دیگر منسوبین درجه یک فرد به آموزه های دینی با نگرش به ایجاد اعتقاد عمیق دینی فرزندان از کودکی ؛ درک متقابل فرزندان و پدر و مادر از یکدیگر که موجب ایجاد بستری مناسب برای احساس آرامش و امنیت روحی - روانی فرد می شود ؛ برطرف کردن نیازهای مادی نوجوان و جوان به فراخور حال و یا ایجاد روحیه ی پذیرش موقعیت اقتصادی خانواده در اجتماع ؛ ایجاد رابطه ی مبتنی بر

دوستی و رفاقت با فرزند برای ایجاد ارتباط مؤثر فرزند و انتقال نیازها و احساسات خود به والدین ؛ توجه به نیازهای روحی ، روانی ، شخصیتی و عاطفی کودکان و نوجوانان برای ایجاد فضای مطلوب و آرام در خانه و خانواده ؛ پر کردن اوقات فراغت فرد با نگاه به توانایی ها و خواسته و مطلوبات طبیعی و منطقی کودک یا نوجوان و جوان ؛ اشراف نامحسوس بر وضعیت فرزند و مراقبت در رفتار و اعمال فرزند با توجه به حرمت ها و حساسیت های او و نادیده نگرفتن آزادی های احساسی وی و لزوم شناخت افراد مورد ارتباط با فرزند ؛ توجه به شناخت و یا کمک به انتخاب دوست با دادن اطلاعات لازم و آماده سازی روحی و فکری فرزندان بر خطر انتخاب دوست و رفیق نامناسب ، از مهم ترین عناوین این مبحث است که توضیح هر یک از موارد آن نیاز به مجال و فرصت خاص خود است.

### دیگر نهادها چه وظایفی دارند؟

غیر از خانواده ، مدرسه و سایر نهادهای اجتماعی و حاکمیتی مانند آموزش و پرورش ، صداوسیما ، نیروهای انتظامی و امنیتی ، وزارتخانه هایی مانند ارشاد اسلامی ، سازمان هایی همچون بهزیستی ، یا حتی مجلس و قوه قضاییه ، هر کدام در نوع خود وظایفی در این ارتباط دارنده در ادامه به برخی از آنها می پردازیم.

برقراری ارتباط کارساز فی مابین والدین با مربیان و خودداری از واگذاری امور تربیتی بچه ها ، تنها به مدرسه یا خانواده ؛ راه اندازی اماکن مشاوره ای اثر گزار در محلات و مراکز آموزشی ؛ جدی گرفتن موضوع فرار از تحصیل یا انتخاب تنبیه اخراج برای دانش آموزان و دانشجویان و اطلاع رسانی مناسب و به هنگام خانواده یا مدرسه ؛ آموزش نیروهای مرتبط با انتظام اجتماع برای شناسایی مشکلات و نحوه برخورد با آنها ؛ در نظر گرفتن لزوم توجه به عفت عمومی و مجازات مفسدین در منظر عموم برای تنذیر دیگران ؛ متعادل ساختن فضای آرام اجتماعی با تقویت معنوی و اصولی «امر به معروف و نهی از منکر» با تکیه بر حرمت های فردی و اجتماعی ؛ ایجاد بسترهای مناسب امنیتی از قبیل امنیت آتیه ی شغلی ، حرفه ای ، اقتصادی و ... با در نظر گرفتن اولویت شغل برای آحاد جامعه ؛ ایجاد جاذبه و تقویت روحیه ی کار در شهرهای کوچک با رویکرد بازدارندگی از مشاغل گذری و کاذب که موجب هجوم به کلان شهرها شده است ؛ برپایی و فعال نگه داشتن مراکز برای ورزش ، تفریح ، مشاوره و آموزش مهارت های زندگی با توجه به اثر این کنش بر پر کردن اوقات فراغت ؛ راه اندازی مراکز ارائه ی تسهیلات مالی و اعتباری ازدواج یا مسکن و البته اشتغال ؛ تحت پوشش قرار دادن جوانان در قالب های حمایت بیمه ای و تأمین اجتماعی ؛ آماده سازی زندانیان برای بازگشت سالم به جامعه و ایجاد زمینه های پذیرش آنان در بین مردم ؛ این ها مواردی است که عیناً یا کلاً توسط اکثر اندیشمندان علوم اجتماعی و حتی متخصصان قضایی برای پیشگیری مطرح بوده است.

البته عده ای از جامعه شناسان و مددکاران پیشنهادها دیگری نیز در این زمینه دارند که از آن جمله می توان به موارد ذیل اشاره نمود.

۱) توجه با خانه و خانواده و حقوق بانوان.

- ۲) ایجاد بسترهای آموزشی برای زوجین در طول زندگی برای جلوگیری از کشمکش و طلاق مؤثر بر تربیت فرزندان.
  - ۳) توجه حاکمیتی به اهمیت سرمایه گذاری های فرهنگی برای نسل جاری و جوان در رسانه های گروهی.
  - ۴) ایجاد مراکز ترقی بی آموزش زوجین برای تربیت مناسب تر فرزندان و ادامه ی پروسه ی آموزش پدران و مادران در مقاطع تحصیلی ، بلوغ جسمی ، ازدواج و ...
  - ۵) توجه به لزوم آموزش مهارت های زندگی به پسران و دختران برای آشنایی با وضعیت مردان و زنان از نظر روحی و جسمی با تبیین نیاز آنان به هدف و نیز اثر مسائل جنسی در تثبیت وضعیت زندگی زناشویی زوجین.
  - ۶) ایجاد و استقرار مداوم مراکز مددکاری حرفه ای در تمامی محل ها با توجه به فراوانی جمعیتی آن منطقه.
  - ۷) ایجاد بسترهای مناسب ازدواج جوانان با تشویق و ترتیب برای برپایی سنت مقدس پیامبر اکرم (ص) یعنی تشکیل خانواده و زندگی مشترک.
- در پایان شایسته است به این نکته ی بنیادین و اساسی اشاره شود که برای پیشگیری از آسیب های اجتماعی و چه بسا تمامی آسیب های خانوادگی و اقتصادی و ...، تمسک به ظرفیت های بالای اعتقادی دین مبین اسلام ، بدون ورود نظرات شخصی و غیر کارشناسی افراد ، مؤثرترین و کارسازترین روش است<sup>۱</sup>.

#### ۳,۴. راهکارهای پیشگیری از رفتارهای پرخطر و آسیب های اجتماعی در مدرسه

۱. افزایش آگاهی اولیاء مدرسه از ویژگی های دوران نوجوانی و نحوه برخورد مناسب با نوجوانان در این سنین حساس.
۲. مناسب تر کردن محیط فیزیکی و امکانات آموزشی در مدارس زیرا هر چه امنیت ، آرامش و نشاط در مدرسه بیشتر باشد رفتارهای پرخطر ( نظیر مدرسه گریزی و ... ) و بی نظمی در دانش آموزان کمتر مشاهده خواهد شد.
۳. پرهیز از بدرفتاری ، خشونت ، تحقیر و تبعیض نسبت به دانش آموزان.
۴. ارائه آموزش و برگزاری کلاس ها و کارگاه های توجیهی در زمینه ُ رفتارهای پرخطر و آسیب های اجتماعی و عواقب آن ، آموزش مهارت های زندگی (مهارت خودآگاهی ، مهارت حل مسئله،مهارت تصمیم گیری ، مهارت کنترل خشم و ...) با حضور افراد متخصص و تدریس این موارد توسط افراد کارآزموده و مجرب- که به دلیل نداشتن توان مالی این گونه کلاس ها بسیار کم برگزار می شود.
۵. تسهیل امر مشاوره در مدارس و اجرای جلسات بحث گروهی با حضور دانش آموزان ، مشاوران و افراد متخصص در زمینه ُ تعلیم و تربیت.

#### ۴,۴. راهکارهای پیشگیری از خودکشی در نوجوانان و جوانان

۱. توجه همه جانبه به جوانان و ایجاد زمینه های غنای فرهنگی و اقتصادی جهت رفع مشکلات آنان.

۲. افزایش مراکز مشاوره برای نوجوانان و جوانان به منظور تصمیم‌گیری صحیح‌تر و راهنمایی سازنده‌تر برای آنان در روبه‌رو شدن با بحران‌های خانوادگی و فرهنگی.
۳. شناخت ریشه‌های روانی به خودکشی، تقویت خودباوری و عزت‌نفس در بین نوجوانان و جوانان نیز یکی دیگر از این راهکارهاست.
۴. تقویت فرهنگ دینی و نهادینه کردن ارزش‌های ناب دین مبین اسلام از طریق مدارس، دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها در بین نوجوانان و جوانان.
۵. از بین بردن فرهنگ تبعیض و اجرای عدالت اجتماعی و اقتصادی برای اقشار نوجوان و جوان در جامعه.

#### ۵.۴. راهکارهای پیشگیری از آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی

۱. ریشه آسیب‌های نوپدید فضای مجازی در مدیریت این فناوری‌هاست که در این حوزه نیازمند مدیریت کارآمد برای هدایت و شناسایی این فناوری‌ها هستیم.
۲. در زمینه استفاده از فناوری‌های نوین برخورد مقابله‌ای و قهری چاره کار نیست و نیاز به فرهنگ‌سازی دارد و مانند کشورهایی مثل کانادا و استرالیا نحوه استفاده مناسب و صحیح از فضای مجازی به کاربران در گروه‌های مختلف سنی آموزش داده شود.
۳. برگزاری جلسات آموزشی از سوی مصادر امور فرهنگی به منظور آشنا نمودن و اطلاع‌رسانی به والدین و خانواده‌ها در مورد فناوری‌های جدید به ویژه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی.
۴. برگزاری کلاس‌های آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها در جهت آگاهی دادن به کودکان، نوجوانان و جوانان در مورد مزایا و معایب فناوری‌های جدید و نحوه استفاده صحیح از آنها.
۵. تشویق فرزندان و ایجاد جذابیت در نوجوانان جهت شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و تقویت این‌گونه رفتارها توسط والدین.
۶. استفاده از ظرفیت‌هایی مانند رسانه‌های دیداری و شنیداری، روزنامه‌ها، مجلات و نشریات برای نهادینه شدن فرهنگ سایبری.
۷. آموزش و پرورش با گنجانیدن موارد پیشگیری در برنامه‌های درسی به نوجوانانی که در معرض مخاطرات اجتماعی هستند، توجه نماید.
۸. فراهم نمودن مکان‌های تفریحی و ورزشی سالم و کم‌هزینه برای نوجوانان و جوانان جهت گذراندن اوقات فراغت در محلات شهر.
۹. ساخت و پخش فیلم‌ها و زنجیره‌ها و برنامه‌هایی با موضوع فضای مجازی و بررسی معایب و مزایای آن.

۱۰. پخش آگهی‌های آموزنده از سوی ترجمان‌های فرهنگی نظیر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان تبلیغات اسلامی در رادیو و تلویزیون در جهت افزایش آگاهی خانواده‌ها در خصوص خطرات ناشی از اینترنت و فضای مجازی.
۱۱. گذراندن اوقات بیشتری با فرزندان در فضای بیرون از خانه به طوری که فرزندان از نظر عاطفی و روانی، احساس خلأ نکنند جهت جبران این کمبود به فضای مجازی پناه نبرند.
۱۲. طراحی و تدوین بخشی در کتاب‌های درسی در ارتباط با آشنایی دانش‌آموزان با فناوری‌های جدید، اینترنت و خطرات بالقوه‌ی آنها.
۱۳. استفاده از آموزه‌های دینی از جمله امر به معروف و نهی از منکر به عنوان نوعی کنترل اجتماعی توسط هر شخص.
۱۴. هنجار سازی‌های مثبت و ترویج فرهنگ استفاده از اینترنت و فضای مجازی.
۱۵. آگاهی رسانی و آشنا نمودن نوجوانان و خانواده‌ها درباره قانون، حقوق و مسئولیت‌هایی که در لوای قانون دارند.
۱۶. وضع قوانین سخت‌گیرانه‌تر جهت برخورد با مجرمان و جرائم اینترنتی و اجرایی نمودن این قوانین. به‌عنوان مثال «قانون حفاظت از دانش‌آموز امی هستیر» ۲۹ معروف به «قانون میسوری فیس‌بوک» هرگونه گفتگوی خصوصی بین معلمان و دانش‌آموزان را در فیس‌بوک منع می‌کند.
۱۷. والدین باید تا حدودی به فناوری‌های روز دنیا مسلط بوده و نسبت به شیوه‌های جدید ارتباط فرزندان خود، تهدیدات و آسیب‌های ناشی از اینترنت و فضای مجازی آگاهی و شناخت کافی و لازم را داشته باشند تا از انجام بسیاری از جرائم و ارتباطات پنهانی آنان جلوگیری به عمل آید.
۱۸. پخش برنامه‌های کوتاه آموزشی درباره مزایا و معایب اینترنت و فضای مجازی از زبان هنرمندان و ورزشکاران محبوبی که عموماً جوانان آنها را الگوی خود قرار می‌دهند.
۱۹. آگاهی بخشی و آگاه کردن مردم از طریق بسیج کردن همه امکانات موجود.
۲۰. استفاده از امکانات دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه برای برگزاری همایش‌های تخصصی.
۲۱. استفاده از ظرفیت‌های مساجد و شبکه تبلیغ اعم از روحانیون، مبلغین، ائمه جماعات مساجد و...
۲۲. تحکیم و تقویت مبانی اعتقادی، فکری و عقیدتی جامعه خصوصاً جوانان از طریق نهادهای فرهنگی.
۲۳. برنامه‌ریزی برای آموزش تخصصی مردم خصوصاً جوانان برای ورود به فضای مجازی و ابراز وجود و ارائه برنامه‌های دینی و ملی جذاب.
۲۴. ایجاد اشتغال برای جوانان بیکار به ویژه تحصیل‌کردگان دارای مهارت و تخصص.

۲۵. انجام تحقیقات کاربردی و یافتن مشکلات با توجه به فرهنگ بومی هر استان جهت ارائه راه‌حل‌های لازم در خصوص رفع مشکلات موجود ضرورت دارد.

۲۶. تشکیل «شورای آینده‌نگری» در استان‌ها به منظور رصد، آسیب‌شناسی، پیش‌بینی و برنامه‌ریزی در خصوص ورود و سیمای مصرف فناوری‌های جدید ارتباطی.

۲۷. قانون‌گذاری به منظور تعیین وظایف نهادها و دستگاه‌های فرهنگی و غیرفرهنگی در فضای سایبر و احیاناً تشکیل نهادهای ضروری برای پیشگیری و مبارزه با آسیب‌های نوپدید مرتبط با فناوری‌های اطلاعات.

۲۸. آگاهی و هوشیاری پلیس سایبری در مورد انواع جدید جرائم رایانه‌ای و گشت در فضای مجازی و کمک به افرادی که در معرض خطر هستند.

۲۹. والدین، مربیان، معلمان و مسئولان فرهنگی، تربیتی و آموزشی می‌توانند نقش مهمی در جلوگیری از تهدیدات سایبری و ایجاد جهان آنلاینی مهربان‌تر یا آنچه به اصطلاح «مهربانی سایبری» خوانده می‌شود، ایفا نمایند.

#### ۶.۴. رعایت قانون؛ عامل مؤثر در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی

##### بخش اول: آیا قوانین در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی تأثیر دارند؟

بحث ما در بخش اول این جلسه، بر سر این است که چه میزان قوانین، مقررات، ارزش‌ها و سنت‌های اجتماعی در پیشگیری و مقابله با آسیب‌های اجتماعی نقش‌آفرین هستند و چه اتفاقی می‌افتد که مشاهده می‌شود، بعضی از قوانین و مقررات خودشان به تولیدکننده آسیب‌های اجتماعی تبدیل می‌شوند؟ برای پاسخ به این سؤال، چند مطلب اساسی را خدمتان عرض می‌کنم:

اولاً، قانون را صرف‌نظر از بحث مشروعیت، می‌توان به بد و خوب تقسیم کرد. از سوی دیگر، قانون بد و خوب مراتب دارد. آنچه مسلم است، قانون هر قدر قوی‌تر و کارآمدتر باشد خوب‌تر و اثر آن در پیشگیری و مقابله با آسیب‌های اجتماعی بیشتر است. به نظر می‌رسد یک قانون خوب باید از یکسری مختصات برخوردار باشد که بعضی از این مختصات شکلی است و بعضی محتوایی؛

ثانیاً، قانون خوب را قانون‌گذار خوب یعنی متعهد، عالم، مجرب، تیزهوش و محیط به وضع جامعه می‌نویسد؛ و لذا اگر در اثر ضعف‌های دموکراسی، فرد ذی صلاحی به عنوان قانون‌گذار تعیین نشد و افرادی کم‌تعهد، کم‌سواد و نامجرب به کانون قانون‌گذاری راه پیدا کردند، جامعه از قانون خوب نیز برخوردار نخواهد شد.

ثالثاً، همان‌طور که اشاره شد، سیاست‌های کلان و مبنایی که از سوی ولی‌فقیه تعیین می‌گردد، نقش مهمی در جهت‌گیری‌های صحیح قوانین دارند و لذا هر میزان ولی‌فقیه و نهادهای مشورتی وابسته به او، دقیق‌تر و قوی‌تر عمل کنند، به‌طور طبیعی قوانین هم در مسیر صحیح‌تری وضع خواهند شد.

رابعاً، یک قانون خوب به ضوابط و دستورالعمل های اجرایی خوبی هم نیاز دارد؛ لذا می توان گفت، قوانینی هستند که برای آنها ضوابط اجرایی مناسبی وضع نمی شود و همین امر موجب بی اثر شدن این قوانین می گردد.

خامساً، زیاد بودن قوانین و کثرت قوانین هم عرض لزوماً مفید نیست؛ مهم تر از فراوانی و تعدد قوانین، متقن و کارآمد بودن آن است لذا هیچ جامعه ای به خاطر کثرت قوانین خود برتر قلمداد نمی شود. از طرف دیگر، هماهنگی و انسجام درونی قوانین و رویاروی هم نبودن قوانین نیز از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است.

سادساً، قانون گذار خوب، سیاست های کلان و مبنایی خوب، ضوابط و سازوکار اجرایی خوب و امثال این ها یک طرف، و اجرای درست قانون نیز یک طرف. البته اجرای قانون دو سو دارد : یک سو کارگزاران جامعه و سوی دیگر، عموم مردم و میزان التزام آنان به قانون که هردوی آنها از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. توجه بفرمایید که برای ارزیابی کارآمدی یک قانون، صرفاً نمی توان به بررسی میزان تحقق آن بسنده کرد چراکه ممکن است قانون خوب اساساً فرصت مناسبی برای تحقق عملی پیدا نکرده باشد.

در جمع بندی بخش اول مباحث این جلسه عرض می کنم، قانون، اساس، قوه محرکه و تضمین کننده سلامت و خوشبختی یک جامعه محسوب می شود و جامعه ای به نقاط مطلوب خود نزدیک خواهد شد که قانون و قانون گرایی در آن جامعه به روالی ثابت و خلل ناپذیر تبدیل شده باشد. البته همان طور که اشاره شد، گاهی هم قانون قوی وجود دارد و هم مجری قانون از توانایی های لازم برای اجرا بهره مند است لکن جامعه تن به قانون نمی دهد که در این صورت، قانون به کاهش و کنترل آسیب های اجتماعی کمکی نخواهد کرد. قانون هر قدر قوی تر و کارآمدتر باشد خوب تر و اثر آن در پیشگیری و مقابله با آسیب های اجتماعی بیشتر است.

### بخش دوم: تربیت اجتماعی، زمینه ساز قانون گرایی

بخش دوم بحث ما در این جلسه به تربیت اجتماعی برمی گردد. البته از نظر من بحث قانون و تربیت اجتماعی دو روی یک سکه اند چراکه من معتقدم اگر جامعه ای بین آحاد خود و قانون و درون مایه آن، انس و الفت ایجاد نکند و تربیت اجتماعی درستی وجود نداشته باشد، هر قدر هم که قانون متعالی و کارآمدی وجود داشته باشد، توفیقی در اجرای قانون حاصل نخواهد شد. علت وابستگی تحقق قانون به تربیت اجتماعی این است که نه تنها نمی توان جامعه را به صورت تصنعی و با اجبار به اجرای قانون متمایل کرد، بلکه اجبار کردن مردم به اجرای قانون، هر چند در مواردی بدیهی و لازم است لکن فرصت اجرای قانون را بیش از آنچه تصور می شود کاهش می دهد. بنابراین، جامعه ای موفق تر است که قادر باشد اعضا خود را از دوران کودکی تربیت کند.

با این وصف، لازم است که ابتدا درباره تربیت اجتماعی به چند نکته مقدماتی اشاره کنم:

۱- تربیت به معنای انتقال دانش و حتی معرفت به افراد نیست؛ چه بسا یک دانشمند برجسته از تربیت اجتماعی ناچیزی برخوردار باشد. لذا به نظر می رسد، تربیت یعنی تبدیل یک آگاهی به باور و سپس تولد رفتار و عملی آگاهانه که به جزئی از وجود و شخصیت فرد تبدیل شده باشد.

۲- همه انسان ها تربیت پذیرند و هیچ کس را نمی توان سراغ گرفت که در برابر تربیت مناسب مقاومت نشان دهد. البته تربیت دو قسم عمده دارد : قسم اول : تربیت طبیعی و حیوانی و قسم دوم : تربیت فطری و انسانی. البته این دو از همدیگر جدا نیستند و بر روی هم تأثیر متقابل دارند. علاوه بر این، تربیت را می توان به تربیت الهی و تربیت شیطانی تقسیم کرد. در تربیت الهی، طبیعت انسان با فطرت تعدیل و تأدیب می شود و در تربیت شیطانی، فطرت و سرمایه روحانی انسان به وسیله خروج طبیعت از اعتدال، سرکوب و مدفون می شود.

۳- در تربیت الهی یک گرانی گاه و نقطه ثقل می توان یافت و آن، رساندن فرد به نقطه تعادل است لکن گرانی گاه و نقطه ثقل تربیت غیر الهی، نفع و لذت است که گاه با تعادل تأمین می شود و گاه با عبور از تعادل.

۴- فطرت مشترک انسانی، امکان پیچیدن نسخه واحد برای تربیتی را فراهم می کند لکن آنچه مسلم است، انسان ها به خاطر ظرفیت ها و قابلیت های متفاوتی که دارند، نیازمند نسخه های تربیتی متنوع البته مبتنی و در طول فطرت الهی خود هستند.

۵- تربیت را می توان به دو قسم فردی و اجتماعی تقسیم کرد. تربیت اجتماعی به تربیتی اطلاق می شود که حاکمیت با استفاده از قدرت و اختیارات خود، و با ایجاد یک دستگاه تربیتی معین، از طریق نهادهای عمومی مانند مدرسه، مسجد، دانشگاه و غیره به تربیت اعضاء خود می پردازد. در تربیت اجتماعی معمولاً نسخه تربیتی یکسان است و قابلیت طراحی و اجرای نسخ متنوع کمتر وجود دارد.

۶- تربیت فردی در توفیق تربیت اجتماعی نقش به سزایی دارد. درواقع، افرادی که از تربیت فردی مناسبی برخوردار نیستند، در تربیت اجتماعی با مسیر ناهمواری روبرو هستند و حتی بعضاً تربیت اجتماعی بر روی آنها جواب نمی دهد و لذا تربیت فردی و تربیت اجتماعی را باید یک واقعیت دو وجهی در نظر گرفت.

۷- مهم ترین روش در تربیت، تمرین و تکرار در میدان عمل است. البته تمرین و تکرار باید با بهره گیری از عواطف و احساسات و در مسیر جذب و دفع طبعی انسان صورت گیرد در غیر این صورت با شخصیت افراد پیوند نخواهد خورد.

۸- هرچند عواطف و احساسات در تربیت نقش و سهم مهمی بر عهده دارد لکن اگر عقل در فرایند تربیت نقش محوری نداشته باشد و تربیت با معارف و احکام عقلی (آشکارا و پنهان) در تعارض باشد، هیچ تضمینی برای ماندگاری آثار تربیت در فرد و جامعه نیست و هر زمان ممکن است عقل ساختمان تربیتی را ویران کند. اصولاً ساختمان تربیت شیطانی نیز به وسیله بیداری عقل در انسان تخریب می شود.

۹- در تربیت اجتماعی، شکل گیری باورهای صحیح و تشویق و تنبیه بسیار مؤثر است. در تربیت اسلامی هرچند تشویق و تنبیه عرفی و اینجهانی وجود دارد لکن بهشت و جهنم اخروی و همچنین لذت های معنوی و یا عذاب های روحی ناشی از گناه در همین دنیا، نقش به سزایی در تربیت ایفا می کنند.



۱۰- در تربیت اسلامی یک عنصر تربیتی منحصر به فرد و اعجاز گر به نام «تقوا» وجود دارد که مولود ایمان و حیاست و اگر از آن در فرایند تربیتی به مثابه محور تربیت استفاده شود، تربیت اجتماعی را کاملاً تضمین می کند.

۱۱- تربیت اجتماعی، هم به یک بستر بینشی، نگرشی و انگیزشی نیاز دارد و هم به زنجیره عوامل و عناصری مانند مربی ها، روش ها، ابزارها و غیره که می توان از آن به دستگاه تربیتی تعبیر نمود. طراحی دستگاه تربیتی مهم ترین و پیچیده ترین کاری است که از جهات نظری و عملی باید دنبال شود.

۱۲- شخصیت های بزرگ و موفق اجتماعی آنگاه که به عامل تربیت اجتماعی تبدیل شوند، در فرایند تربیت از نقش برجسته و اثرگذاری برخوردار می شوند و مسیر تربیت اجتماعی را به شدت هموار می کنند. به بیان دیگر، انسان های موفق و الگوی های اجتماعی، از قدرت تربیت کنندگی قابل توجهی برخوردارند.

۱۳- بهترین زمان تربیت اجتماعی دوران کودکی و نوجوانی است. به بیان دیگر، هر قدر انسان مسن تر باشد و شخصیت و هویتش مستحکم شده باشد، فرصت تربیت اجتماعی برای او کاهش می یابد.

از این مقدمات سیزده گانه که عبور کنیم، همان طور که اشاره شد، تربیت اجتماعی زمینه ای را فراهم می کند تا قوانین، ارزش ها و سنت های اجتماعی که بعضاً در حکم قانون به شمار می روند، در جان مردم نفوذ کرده و قانون گرایی و تبعیت از قانون، به بخش لاینفکی از شخصیت اعضاء جامعه تبدیل شود. برای مثال، رعایت آداب معاشرت اجتماعی، استفاده صحیح از سیستم حمل و نقل عمومی، رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی، رعایت بهداشت و نظافت اماکن عمومی و امثال این ها، در تربیت اجتماعی به جزئی از شخصیت افراد تبدیل می شود که چه پلیس و مجری قانون باشد و چه نباشد از طرف اکثریت جامعه به جد رعایت می شود.

قانون، تضمین کننده سلامت یک جامعه محسوب و جامعه ای به نقاط مطلوب خود نزدیک خواهد شد که قانون گرایی در آن جامعه به روالی ثابت و خلل ناپذیر تبدیل شده باشد

در نقطه مقابل، جوامعی را شاهد هستیم که در اثر فقدان یا ضعف تربیت اجتماعی، قوانین موجود در آن جامعه یا درست رعایت نمی شود و یا رعایت آن جز با ابزارهای الزام آور و انتظامی ممکن نیست و طبیعی است که ابزارهای الزام آور نمی تواند در اجرای حداکثری و پایدار قانون موفق عمل کند. بنا بر آنچه بیان شد، خیلی از آسیب های اجتماعی، بیش از آنکه مولود قانون ضعیف و ناکارآمد باشد، محصول عدم سرمایه گذاری کافی و صحیح در عرصه تربیت اجتماعی است چیزی که جامعه ما نیز به آن مبتلاست و از آن رنج می کشد.

درواقع، نظام آموزش و پرورش کشور که اصلی ترین مسیر برای تربیت اجتماعی محسوب می شود، به دلایل گوناگون به ویژه به خاطر نبود یک تفکر و دستگاه تربیتی قوی، منقطع و کارآمد، در تربیت اجتماعی توفیق چندانی نداشته و از سایر مسیرهای تربیتی مانند مساجد نیز استفاده درستی صورت نگرفته است و با این وصف، من اعتقاد دارم،

مهم ترین نقطه ای که نظام اسلامی باید برای پیشگیری و حتی مقابله و درمان آسیب ها بر روی آن سرمایه گذاری کند، تربیت اجتماعی است.<sup>۱</sup>

#### ۷,۴. اقدامات صورت گرفته ایران در راستای کاهش آسیب های اجتماعی

مسلماً برای مقابله با خیلی از مشکلات و آسیب ها، در ابتدا باید آن را به رسمیت شناخت. اکنون در ایران موضوع آسیب های اجتماعی پذیرفته شده است. از سیاست های حد صفر برای مقابله با آسیب ها فاصله گرفته شده و اقدامات خوبی در حالی که انجام است که با اطلاع رسانی عمومی به مردم می شود تأثیر این اقدامات را چند برابر نمود. اکنون ۱۷ دستگاه در زمینه آسیب های اجتماعی در ایران فعال هستند و اقدامات تأثیرگذاری صورت گرفته است. سال ۸۱ شورای اجتماعی وزارت کشور تصویب نمود که اطلاعات بین دستگاه های مختلف در حوزه های اجتماعی جمع آوری گردد و بانک اطلاعاتی آسیب ایجاد شود که اتفاق خوبی است و امیدواریم یک بانک اطلاعاتی کامل و جامع داشته باشیم تا کارشناسان بتوانند برنامه عملی مدون تر و جامع تری بر اساس آن تنظیم نموده و فقط صرف آمار نباشد. درواقع بهتر است که داده ها هوشمند باشند تا در برنامه ریزی و عمل قابل بهره برداری باشد. خوشبختانه، برنامه های کاهش آسیب در ایران کاملاً جدی دنبال می گردد. این برنامه شامل توزیع سوزن و سرنگ رایگان در مناطق پاتوق مصرف مواد، وسایل پیشگیری از بارداری در این مناطق که علاوه بر پیشگیری می تواند در کاهش ریسک انتقال ویروس اچ آی وی نیز مؤثر باشد، پانسمان رایگان زخم های باز مصرف کنندگان مواد در پاتوق و گاه ها توزیع شام برای اینکه حداقل مواد غذایی به بدن این بیماران برسد. همچنین برنامه هایی مثل مرکز گذری آسیب های اجتماعی (DIC) و شل تر ایجاد شده که توسط سازمان های مردم نهاد عموماً اداره می شود. به نظر می رسد این موضوع بحث خیلی مهمی باشد، چراکه علی رغم اینکه سازمان های مردم نهاد و دولت حداقل در ده سال گذشته به برنامه های کاهش آسیب توجه ویژه ای نشان دادن و نقش سازمان های مردم نهاد در این زمینه بسیار پررنگ تر بوده است. متأسفانه عموم مردم نسبت به برنامه های کاهش آسیب آشنایی کمی دارند و این لزوم یک برنامه جدا است.

#### ۸,۴. سایر اقدامات در خصوص کاهش آسیب های اجتماعی

این خصوص باید گفت اقداماتی از قبیل پیشگیری، آموزش، افزایش امکانات و خدمات اجتماعی و رفاهی برای خانواده ها و جوان ها جهت افزایش شادی و بالا بردن اعتماد اجتماعی مردم، پیشگیری از بروز آسیب های اجتماعی وجود دارد. درواقع با پیشگیری می خواهیم، مردم یک سری از رفتارها را نشان بدهیم و یک سری از رفتارها را نشان ندهند. به عنوان مثال ما باید این توانایی را داشته باشیم که به کودکانمان نشان دهیم که اگر معتاد شوند چه اتفاقی می افتد و اگر معتاد نشوند چه اتفاقی می افتد و قدرت استدلال آن کودک را تقویت کنیم تا به میل و خواست خود انتخاب نماید. اینکه پیشگیری چه مختصاتی باید داشته باشد دو نکته قابل توجه است:

۱- هر اقدامی برای هر گروه سنی انجام نمی گیرد

۲- ارزیابی و پایش برنامه تعریف شده پیشگیری را می توان به پیشگیری اولیه، ثانویه و ثالث، پیشگیری همگانی، انتخابی، موردی و زیست محیطی تقسیم نمود. ضمناً در مدل های مدرن تر پیشگیری به عنوان مثال در بحث اعتیاد،

<sup>۱</sup>. درسگفتار "اسلام و آسیب های اجتماعی" حجت الاسلام رضا غلامی؛ به نقل از پایگاه خبری تحلیلی طلایه.

متخصصین این حوزه در رابطه با انواع مدل ها آموزش داده می شوند. در ادامه نیز باید به چندین مدل ازجمله مدل باور بهداشتی، نظریه عمل مستدل، نظریه رفتار برنامه ریزی شده، نظریه شناخت اجتماعی و مدل فرا نظریه تغییر نظر سلامت اشاره نمود. خلاصه اینکه بحث پیشگیری بحث گسترده ای است و نیاز است تا در برنامه ای جدا در خصوص آن بحث و بررسی صورت پذیرد. مبحث آموزش نیز ازجمله موارد قابل توجه می باشد که شامل آموزش در خانواده، آموزش در سیستم آموزش و پرورش، آموزش در محله و فعال کردن بیشتر سرای محله ها، آموزش در رسانه ها و شبکه های اجتماعی مانند ایجاد و گسترش کانال های آموزشی بیشتر و متنوع تر، استفاده از کارشناسان حوزه های مختلف در این شبکه ها است. در خصوص آموزش در سیستم های آموزشی باید عرض کنم، متأسفانه جای آموزش های صحیح جنسی، آموزش مهارت های زندگی، آموزش مهارت نه گفتن، آموزش حفاظت از خود و آموزش های مربوط به هویت یابی صحیح در مدارس ایران خالی است. هرچند میزان این آموزش ها نسبت به گذشته افزایش یافته و این جای امیدواری دارد، اما به نظر می رسد جامعه به ایجاد واحدهای درسی بیشتر و رسمی تر نیاز مبرم دارد. آموزش را به صورت کلی باید در بخش کلی و بخش آموزش در حیطه های آسیب مانند نقش آموزش در پیشگیری از اعتیاد بررسی نمود. همچنین افزایش امکانات و خدمات اجتماعی و رفاهی برای خانواده ها و جوان ها جهت افزایش شادی و بالا بردن اعتماد اجتماعی مردم ضروری می باشد. برخی اقدامات تشویقی مانند اختصاص روزهایی در هفته که بلیط سینما یا موزه یا مکان های فرهنگی برای خانواده هایی که با تمام اعضای خانواده به آن مکان می روند، نیم بها یا رایگان باشد. این امر می تواند دورهم بودن اعضای خانواده را تقویت نموده و به بنیاد خانواده استحکام ببخشد. البته برخی اقدامات دیگر مانند دادن کارت های کتابخوانی برای تهیه کتاب به جوان ها و کلا سایر خدماتی رفاهی و فرهنگی که امکان ارائه آن به هر ترتیبی وجود دارد در مسئله کاهش آسیب حائز اهمیت است. امیدوارم که توجه بیشتر به این سه اقدامی که اشاره در ایران به اضافه اقداماتی که هم اکنون در کاهش آسیب در حال صورت گرفتن است بتواند راه را برای مهار آسیب های اجتماعی بازتر نماید<sup>۱</sup>.

## نتیجه گیری

برای بهبود آسیب های اجتماعی و پیشگیری از آن باید در وهله اول نوع آسیب را شناسایی کرد زیرا تازمانی که نوع آسیب شناسایی نشود نمی توان برای مقابله با آن راهکاری را ارائه نمود، وهله دوم این است که مردم و مسئولین با همکاری هم برای پیشگیری از آسیب های اجتماعی اقدام نمایند. و بهترین راهکار برای مقابله با آسیب های اجتماعی این است که باید یک الگوی خوب را به جامعه معرفی کرد و کاملترین الگو برای جامعه سیره و رفتار اهل بیت علیهم السلام است در این بین نباید از نقش مهم خانواده غافل بود، خانواده محلی است که شخص در آن رشد و نمو پیدا می کند زمانی که شخص در خانواده احساس امنیت کند بسیاری از این آسیب ها مانند فرار از خانه و کارتون خوابی به وجود نمی آید. نقش مسئولین برای پیشگیری از آسیب های اجتماعی بسیار حائز اهمیت است مسئولین بوسیله ایجاد شغل برای جوانان می توانند از وقوع بسیاری از آسیب های در جامعه مثل بی کاری و عدم اشتغال، فقر و مشکلات معیشتی پیشگیری کنند بنابراین برای ایجاد جامعه ای سالم و به دور از آسیب های اجتماعی همه باید کمک کنند از خانواده و مدرسه گرفته تا مردم و مسئولین همه باید برای بهبود این امر مهم تلاش کنند.

## منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. المینگرت , رونالوس. ۱۳۶۸. کودک و مدرسه ترجمه شکوه نوایی نژاد. تهران: رشد.
۴. آنتونی , گیدنز. ۱۳۷۳. جامعه شناسی ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
۵. دکتر باقر , ساروخانی. ۱۳۷۶. طلاق، پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. دکتر تاپیر. ۱۳۶۹. بچه های طلاق. انتشارات روشنفکران.
۷. زهرا، گواهی. ۱۳۷۳. بررسی حقوق زنان در مسئله طلاق. سازمان تبلیغات اسلامی.
۸. علی اصغر , قربان حسینی. ۱۳۷۱. جرم شناسی و جرم یابی سرقت. تهران: جهاد دانشگاهی.
۹. علی حسین، نجفی ایرنآبادی. ۱۳۷۰. "بزهکاری و شرایط اقتصادی." مجله تحقیقاتی حقوقی ش. ۹.
۱۰. فاطمه، بابایی. ۱۳۸۰. تعدیل ساختاری و فقر و ناهنجاری های اجتماعی. انتشارات کویر.
۱۱. مجید، کفاشی. ۱۳۸۹. "آثار نظم و تضاد خانواده بر خشونت علیه کودکان." فصلنامه پژوهشی اجتماعی سال سوم.
۱۲. محمد , رحیمی. ۱۳۹۰. "عوامل اجتماعی موثر بر شکاف نسلی، مطالعه موردی شهر خلخال." پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۳. محمد , فولادی. ۱۳۸۲. بررسی میزان و عوامل اقتصادی اجتماعی مرتبط با سرقت در میان جوانان شهر قم . قم: سازمان مدیریت و برنامه ریزی.
۱۴. محمد بن یعقوب، کلینی. بدون تاریخ. "اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر مجالسه اهل المعاضی."
۱۵. محمدرضا، طالبان. ۱۳۸۰. دینداری و بزهکاری. تهران: فجراسلام.
۱۶. هدایت الله , ستوده. ۱۳۷۹. آسیب شناسی اجتماعی. تهران: نشر آوای نور.
۱۷. محمد فولادی، مجلات معرفت، شماره ۹۱.
۱۸. مجله ایران جوان، ش ۱۴۹.
۱۹. مجله کتاب زنان، ش ۱۵.
۲۰. مجله ایران دخت، ش ۱۷.
۲۱. بنیاد پیشگیری از آسیب های اجتماعی، [www.pishgiri.org](http://www.pishgiri.org).
۲۲. خبرگزاری ایرنا.
۲۳. [www.hamshahrionline.ir](http://www.hamshahrionline.ir).
۲۴. [www.aftabir.com](http://www.aftabir.com).
۲۵. [sputniknews.com](http://sputniknews.com).